١٠
ج

کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب: مصباح السالکین و زاد المسافرین
مؤلف
موضوع
شمارهٔ قفسه
شماره ثبت کتاب
۶۳۳۲۷
۱۰

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب: مصباح السالکین و زاد المسافرین

مؤلف:

موضوع:

شمارهٔ قفسه:

شماره ثبت کتاب: ۶۳۳۲۸

ح

۱۰

فهرست رساله

مجلس شورای ملی
تاسیس ۱۳۰۲
کتابخانه

مصباح السالکین و زاد المسافرین

بسم الله الرحمن الرحیم

اَلحمدُ للهِ رَبِّ العالمینَ وَالصَّلوٰةُ علی سَیّدِ المُرسلینَ وَالأئمّةِ الطّاهِرینَ * چون استقبال کعبه معظمه زاد ها الله شرفا علاوه از استحباب و کراهة آن در موارد عدیده در صورت امکان در بعض موارد واجب مثل حال احتضار و غسل و صلوة و دفن اموات و در بعضی حرام مثل حال تخلّی و در برخی شرط صحت مثل صلوات فرائض و در بعض موارد شرط حلیت کما در مذبوح و منحور پس علم بمحاذاة کعبه در صورت امکان لازم و در اماکن بعیده که غالبا تحصیل علم بغالب اشخاص غیر مقدور میباشد امارات مفیده ظن با تقدیم الأقوی فالأقوی کفایت مینماید از آنجائیکه غالب اشخاص

مثل اعمی از اجتهاد ظنی بقبله باز عاجز میباشد کفایت میکند در حق او ظن حاصل از قول اهل خبره و لو فاسق یا کافر بوده باشد و کفایت نمیکند قول واحد عدل و لو صاحب منزل باشد در صورت عدم حصول ظن از قول او و اعتماد بقول عدلین با تمکّن از تحصیل علم محل اشکالست کما اینکه اعتماد بقول عدلین با وجود ظن بر خلاف محلّ کلام و بهتر احتیاط است و نظر بمراتب مزبوره علماء اعلام علیهم رضوان الله الملک العلّام در تعیین قبلهٔ اغلب بلاد زحمات بسیار کشیده اند و این حقیر کثیر التقصیر طلبا لمرضاة الله و طمعا فی غفرانه همین کتاب موسوم بمصباح السالکین و زاد المسافرین را در تعیین قبلهٔ اکثر آفاق تألیف و با فصول عدیده مرتّب ساخته از ناظرین محترمین ملتمس ادعیه خیریه میباشم و انا اقل اهل العلم محمد بن عبد الکریم الموسوی التبریزی الشهیر بمولینا *

فصل اوّل

در ذکر بعضی آیات و اخبار مناسبه بمقام منها قوله تعالی فی سورة البقرة قَدْ نَرَی تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِی السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّیَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَیْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِینَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَیَعْلَمُونَ

اَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللّٰهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ مراد از قبله و شطر المسجد الحرام کعبهٔ معظمه است بموجب اخبار صریحه و آنچه در بعض اخبار معتبره وارد شده و کعبه قبلهٔ اهل مسجد و مسجد قبلهٔ اهل حرم و حرم قبلهٔ اهل دنیا است اشاره باتساع جهة است بعنوان تقریب با فهام زیراکه اجرام مقابله هرقدر رافعه باشد در محاذات اتساع پیدا مینماید پس قبلهٔ قریب و بعید و اهل مسجد و غیرهم نفس کعبه است و محاذاة کعبه بکافهٔ اهل عالم واجب و محاذاة عقلیه غیر لازم و عرفیه کافی میباشد و مراد از نفس کعبه ابنیهٔ بیت نیست بلکه مراد فضای بیت است از تخوم ارض تا عنان سما، کما اینکه در بعض اخبار معتبره تصریح باین شده پس لازم مراعاة فضای خواه مقر شخص اسفل از ابنیهٔ کعبه باشد یا اعلی از آن و خواه ابنیه باقی یا العیاذ بالله منهدم باشد پس موضوع احکام فضای مبنیه است از تخوم ارض الی عنان سما، نه نفس ابنیه و منها قوله تعالی فی سورة البقرة ایضاً وَلِلّٰهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَاَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ مضمون

این

این آیهٔ شریفه اگرچه علی الظاهر منافی مدلول آیهٔ سابقه است لکن بعد از اطلاع باخبار و تفاسیر توهم منافات مرفوع و توافق واضح میباشد زیراکه مورد نزول آیهٔ ثانیه صلوة نافله است مطلقا بموجب بعض اخبار یا در حال سفر بموجب بعض آخر یا قبله متحیر کما اینکه مفاد بعض اخبار است علاوه از وجوه مزبوره ممکن است دفع تنافی بنا بار تکاب حذف مفعول (تَوَلَّوْا) ای فَاَيْنَمَا تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ پس مقصود از آیهٔ شریفه بیان اینست که خداوند احدیت رب جمیع بلاد و عباد است در هر بلدی از مشرق که نصف دنیا است و یا از مغرب که نصف آخر است هرگاه تولیه وجه نمائید بشطر مسجد حرام که عبارت از کعبه باشد فَثَمَّ وَجْهُ اللّٰهِ ای رضوانه و منها قوله تع فی سورة الانعام وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ و منها قوله تع فی سورة النحل وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ و عن العیاشی فی تفسیر النجم فی تلك الآیة عن النبی صلی الله علیه و آله هُوَ الْجَدْيُ لِاَنَّهُ نَجْمٌ لَا يَزُولُ وَعَلَيْهِ بِنَاءُ الْقِبْلَةِ وَبِهِ يَهْتَدِي اَهْلُ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ و منها ما فی التهذیب عن جعفر بن سماعة عن العلاء عن محمد

عن

عن احدهما علیهما السلام قال سألته عن القبلة قال علیه السلام
ضع الجدی فی قفاك وصل ومنها ما فی الفقیه قال رجل للصادق
علیه السلام انی اکون فی السفر ولا اهتدی القبلة باللیل قال اتعرف
الکوکب الذی یقال له جدی قلت نعم قال اجعله علی یمینك واذا
کنت فی طریق الحج فاجعله بین کتفیك قال فی الوافی بعد ذکر
هذین الخبرین ما هذا لفظه هذه العلامة انما تستقیم لاهل العراق و
راوی الخبر الاول وهو محمد بن مسلم عراقی وانما سأل عن قبلة بلاده
ولکل ناحیة علامة غیر علامة الاخری ومنها ما فی التهذیب عن سماعة
قال سألته عن الصلوة باللیل والنهار اذا لم تر الشمس ولا القمر
ولا النجوم قال اجتهد رایك وتعمد القبلة جهدك ومنها
ما فی التهذیب عن زرارة قال قال ابو جعفر علیه السلام یجزی التحری
ابدا اذا لم یعلم وجه القبلة **فصل دوم** در تصویر وضع کعبه
مبارکه بدان که کعبه معظمه زادها الله شرفا مشتمل بر چهار ضلع وچهار رکن
یکی از ارکان که حجر اسود بر آن منصوبست رکن حجر مینامند وتسمیه
این رکن بعراقی خالی از وجه است رکن حجر اسود از محاذاة شرق

اعتدال قلیلی بجانب جنوب مایل بمقداریکه مشرق اعتدال محاذی مابین
باب کعبه وحجر اسود واقع شده پس انسب تسمیه این رکن است برکن شرقی
ورکن دیگر که رکن حجر الاسود از طرف باب کعبه بآن منتهی میشود
رکن عراقی وبعضی شامی مینامند **ورکن** دیگر که رکن عراقی
از طرف حجر اسمعیل بآن منتهی میشود رکن غربی مینامند که مقابل حجر
الاسود است **ورکن** چهارم که از رکن غربی بآن منتهی میشود
رکن یمانی مینامند که مقابل رکن عراقی است پس بیت ذات
ارکان واضلاع اربعه است **ضلع** واقع مابین رکن حجر الاسود
ورکن عراقی بیست وچهار ذراع وشبری است از رکن حجر الاسود تا
دم باب بیت چهار ذراع وعرض باب بیت ایضا چهار ذراع وبقیه
این ضلع از یمین باب تا رکن عراقی شانزده ذراع ویکوجب است
وضلع ثانی که از عراقی تا رکن غربی باشد ومیزاب بیت
در وسط آن واقع است (بیست ودو) ذراع است که عرض بیت
باشد **وضلع** ثالث که مابین رکن غربی ویمانی است موافق
ضلع اولست **وضلع** چهارم که مابین رکن یمانی ورکن حجر الاسود

از مقابل خود که ضلع ثانیست یکوجب کمتر است و عرصهٔ مسجد الحرام محیط است باطراف کعبه لکن با اختلاف در سعه و ضیق و کذلک احاطهٔ حرم بمسجد الحرام اختلاف دارد زیراکه قدر حرم از طرف یمین کعبه چهار میل و از طرف یسار آن هشت میلست پس طول حرم بنابراین دوازده میل[۱۲] که عبارت از چهار فرسخ باشد و مراد از یمین بیت رکن ثالث است که رکن غربی مینامند و مراد از یسار رکن اولست که عبارت از رکن حجر الاسود باشد

فصل سوم در ذکر موقع توجه اهالی بلاد مشهوره

از حجر الاسود تا باب کعبه که قریب بسدس ضلع طولیست موقع توجه اهل بعض بلاد هند است مانند دهلی و آگره و حوالی آن و فضای باب که آن نیز قریب بسدس است موقع توجه اهل چین و دیبل و بنارس و منصوره سند و آگره و دهلی و جزایر و تهامه و حوالی آنها است و از باب تا نصف آن ضلع که نهایت سدس ثالث است موقع توجه اهل الجاو لهاور و مولتان و تبت و بحرین و قندهار و کشمیر و تبت و سیستان و کرمان و بدخشان و تبت و ختن و بلخ و شیراز و بلخ و فاریاب است ✻

و سدس رابع موقع توجه اهل هرات و ختن و پیش بالغ و یزد و مرو و قراقرم و ترشیز و تون و سمرقند و کاشغر و سرخس و کش و خجند و بخارا و اوراء النهر و طوس و نباکت و المالغ و سبزوار است و سدس خامس موقع توجه اهل اصفهان و کاشان و بصره و استراباد و کرکانج و قم و ری و ساری و قزوین و ساوه و لاهیجان و همدان و سدس سادس که منتهی است برکن ثانی موقع توجه اهل بادکوبه و مدینه روس و شماخی و بلغار و باب الابواب (شیروان) و برذعه و تفلیس و اردبیل و تبریز و بغداد و کوفه و سر من رای است پس موقع توجه عراق عرب و عجم باین رکن اقرب است و لهذا اهل تحقیق این رکن را رکن عراقی مینامند و تسمیهٔ این رکن بشمالی ایضا خالی از وجه نیست و از این رکن تا رکن غربی که ضلع عرضی بیت است سدس اول آن موقع توجه اهل موصل و ارزن الروم و حوالی آنها است و سدس ثانی موقع توجه اهل ارزنکان و حلب و حوالی انها است و سدس ثالث که منتهی بمیزاب میشود موقع توجه اهل انطاکیه و ملطیه و رومیهٔ کبری و طرابلس شام و دمشق و حمص و قنسرین و قسطنطنیه و مدینهٔ مشرفه و قونیه

وصور وعسقلان وبیت المقدس است وبجهة قرب توجه اهل شام
باین رکن از سایر ارکان رکن عراقی را رکن شامی هم نامند
وسدس رابع موقع توجه اهل اسکندریة واندلس ومصر و حوالی
آنها است وسدس خامس موقع توجه اهل طرابلس غرب و
قیروان وطاهرت وتونس وسوس اقصی ونواحی آنها است
وسدس سادس که منتهی برکن غربی است محاذی چیزی از بلاد
مشهوره نیست وتسمیه این رکن بغربی بجهة قرب آنست از مغرب اعتدال
ویا بجهة قرب موقع توجه اهل بلاد مغرب است باین رکن از سایر ارکان
زیرا که موقع توجه ایشان سدس خامس این ضلع است وازرکن
غربی تا رکن یمانی که ضلع دیگر طول بیت وثالث اضلاعست سدس
اول آن موقع توجه اهل دنقله واکثر بلاد نوبه است وسدس
ثانی موقع توجه اهل جرمی وسائر بلاد حبشه است وسدس ثالث
محاذی با بلاد مشهوره نیست وسدس رابع وخامس وسادس موقع
توجه اهل بعضی از بلاد یمن است مثل زبید که از بلاد یمن ودر زمان
مأمون بنا شده وازرکن یمانی تا رکن حجر الأسود که ضلع دیگر

عرض بیت ورابع اضلاعست سدس اول آن موقع توجه اهل
صنعای یمن وحوالی آنست پس این رکن از دو جانب با بلاد یمن محاذاة
دارد ولذا رکن یمانی نامند واگر جنوبی هم نامند خالی از وجه نیست
وسدس ثانی وثالث ورابع وخامس این ضلع محاذی با بلاد مشهوره
نیست وسدس سادس که منتهی به حجر الأسود است موقع توجه اهل
سومنات وسرندیب وحوالی آنها است وبر عارف بر وضع کره واهل
فن پوشیده نیست که مراتب مزبوره در حکم مشاهد باعیان است
پس مقالات مخالفه با مراتب مزبوره در نزد اهل فن محل اعتماد
نمیباشد مثل آنچه ابن شاذان از قراریکه حکایت شده در رسالهٔ
قبله ذکر نموده که قبلهٔ مولتان وکابل وقندهار مابین رکن یمانی و
حجر الأسود است ومثل آنچه در شرایع ذکر نموده که موقع توجه اهل عراق
رکن حجر الأسود است ومثل آنچه از شهید ثانی در مسالک در شرح و
توجیه عبارت محقق صادر شده بعد از حل عبارت شرایع بتقریب
حکم فرموده که قبله وموقع توجه اهل عراق بباب کعبه است وحال
آنکه رکن حجر الأسود قریب بمحاذی مشرق اعتدالست والحال

خلافی نیست در اینکه قبلهٔ اهل عراق عرب وعجم بجنوب نزدیکتر است بلکه
بعضی مثل موصل به عین جنوبست این چگونه ملایم میشود با جعل رکن حجر
الاسود قبله وموقع توجه اهل عراق وچگونه مناسب میشود با استحباب
تیاسر نسبت باهل عراق واما بنا به تحقیق مزبور که سدس سادس از
ضلع اول موقع توجه اغلب اهل عراق عرب وعجم است گرچه تیاسر
نسبت باهل عراق باز خالی از اشکال نمیباشد بتقریبی که در فصل
چهاردهم مشروحاً معلوم خواهد شد لکن قول به تیاسر در قرب مکه
که موجب ادخلیت در محاذاة باشد خالی از قوه نمی باشد کما اینکه
در فصل مزبور روشن خواهد شد فصل چهارم در بیان
نسبت هر یک از بلاد مطلوبه با مکه معظمه زادها الله شرفاً از جهة طول
وعرض بدانکه نسبت هر یک از بلاد مطلوبه با مکه معظمه خالی از اقسام
هشت گانه نیست زیرا که بلد مطلوب با مکه یا مساوی است در طول
فقط یا در عرض فقط یا اینکه در هر دو مخالف است وبر تقدیر
اول یا عرض بلد مطلوب زاید از عرض مکه است یا بعکس آن
وبر تقدیر ثانی طول بلد مطلوب یا زائد از طول مکه است یا ناقص از او

وبر تقدیر ثالث طول وعرض بلد مطلوب یا زائد است از طول وعرض مکه
یا بالعکس ویا اینکه بلد مطلوب زائد است از مکه طولاً وناقص است عرضاً
یا بعکس آن چون صور ممکنه خالی از اقسام هشت گانه نیست پس بیان
حکم هر یک از اقسام مزبوره لازم است اما قسم اول که بلد مطلوب
با مکه طولاً مساوی وعرضاً زائد باشد تقریباً مثل موصل وما یقربه پس قبلهٔ
آن نقطه جنوب میباشد اما قسم دویم که عرض بلد مطلوب ناقص از عرض
مکه باشد با تساوی در طول پس قبلهٔ آن نقطهٔ شمال میباشد واما قسم
سیم که بلد مطلوب عرضاً مساوی با مکه وطولاً زائد باشد یعنی مکه در
غرب بلد مطلوب واقع شود پس قبلهٔ بلد مطلوب نقطهٔ مغرب خواهد بود
واما قسم چهارم که بلد مطلوب با مکه در عرض مساوی لکن طول مکه از آن
زائد باشد یعنی مکه در شرق بلد مطلوب واقع شود پس قبلهٔ بلد مطلوب نقطهٔ
مشرق خواهد بود این چهار قسم بقراریکه صاحب جواهر فرموده
محتاج بذکر علامت نمیباشد بخلاف اقسام چهارگانهٔ آتیه بجهة فرض انحراف
ومیل آنها از نقطهٔ شرق وغرب وجنوب وشمال که محتاج بذکر علامت
میباشد واما قسم پنجم که طول وعرض بلد مطلوب زائد از طول وعرض

مکه میباشد پس قبلهٔ آن در مابین نقطهٔ جنوب و مغرب مکه میباشد و اما قسم ششم که طول و عرض مکه زائد از طول و عرض بلد مطلوب است پس قبلهٔ آن بلد در مابین نقطهٔ شرق و شمال مکه خواهد بود و اما قسم هفتم که طول بلد مطلوب زائد از طول مکه و عرض آن ناقص از عرض مکه باشد پس قبلهٔ آن بلد در مابین نقطهٔ مغرب و شمال مکه میباشد و اما قسم هشتم که طول بلد مطلوب ناقص از طول مکه و عرض آن زائد از عرض مکه میباشد پس قبلهٔ آن در مابین نقطهٔ جنوب و شرق مکه خواهد شد پس در این اقسام اربعهٔ اخیره لابدیم از معرفهٔ مقدار انحراف بلد مطلوب تا ظن بقبلهٔ آن حاصل آید و مراد از طول و عرض بلاد مشروحاً در فصل ششم بیان خواهد شد

فصل پنجم در بیان مقدار انحراف بلاد مشهوره مایله از نقاط اربعهٔ مذکوره بقراریکه حضرات اهل فن و فقهاء اعلام در کتب مبسوطه بعنوان تحقیق یا تقریب مظنون حاصل از تحری مأموربه در بعض اخبار معتبره استخراج و ضبط نموده اند گرچه در عالم انصاف بملاحظهٔ اختلافات صادره از حضرات اعلام مثل مجلسی و والد بهائی و صاحب مستند و رضی الدین قزوینی و غیرهم و ملاحظه

سائر مبعدات که اهل تروی بآنها ملتفت میباشد علم بمحاذاة سهل است که ممکن است ظن بمحاذاة راهم منع نمائیم لکن علم لااقل اطمینان بجهة از ملاحظهٔ کلمات ایشان حاصل خواهد شد و اگر نسبت باهل بلاد بعیده استقبال جهة را کافی دانیم در نهایت آسوده میباشیم والا با ملاحظهٔ ضم سایر علامات و مؤیدات آتیه ممکن است علم یا ظن معتبر بمحاذاة حاصل گردد. فعلیهذا باید دانست که انحراف باعتبار بلاد واقعه در مابین نقاط اربعه چهار نوع است نوع اول بلادیکه انحراف قبلهٔ آنها از نقطهٔ جنوب بسمت مغرب است که عبارت از بلادیست که طول و عرض آنها زائد از طول و عرض مکه میباشد کما اینکه اکثر بلاد مشهوره بدینقرار است

نوع اول از فصل پنجم

اسامی بلاد	درجه	دقیقه	اسامی بلاد	درجه	دقیقه
سلماس	۷		خوی	۸	
مداین	۸	۳۰	سر من رای	۹	۵۶
بلغار	۹		رضائیه	۹	

نوع اول از فصل پنجم

اسامی بلاد	درجه	دقیقه	اسامی بلاد	درجه	دقیقه
نهروان	١١		شمکوره	١١	
مرند	١٢		حله	١٢	
کربلا	١٢		بغداد	١٣	
نجف	١٣		الان	١٤	
نخیار	١٤		گنجه	١٥	
رسنکوره	١٥		تبریز	١٥	٤٠
مراغه	١٦	١٧	تفلیس	١٦	
اردبیل	١٧	١٣	مغان اردبیل	١٨	
نخجوان	١٨		دربند باب الابواب	٢٨	
بروعه	١٨		بیلقان	١٨	
قره باغ	١٨	٥٠	قصر شیرین و موقان	١٩	
بادکوبه	٢٠		شماخی	٢٠	٩
حلوان و واسط	٢١		همدان	٢٣	
دینور	٢٢		کرمانشاه	٢٣	
دماوند	٢٣		لاهیجان	٢٣	
نهاوند	٢٣		شهرزور	٢٤	

نوع اول از فصل پنجم

اسامی بلاد	درجه	دقیقه	اسامی بلاد	درجه	دقیقه
سهرورد	٢٤		کویا شهر روس	٢٤	
استرآباد	٢٤	٣٤	دیلم	٢٤	٥٦
قومس	٢٤	٥٦	دیلمان	٢٤	٥٦
زنجان و خوار	٢٥		بروجرد	٢٥	
بوسم طبرستان	٢٦		رودسر	٢٧	
قزوین	٢٧	٣٣	طالقان	٢٧	٣٤
ساوه	٢٨		انزلی و الموت	٢٩	٣٧
کنگور	٣٠		کرج	٣٠	
آوه	٣٠		ساری	٣١	
کورج	٣١		ری	٣١	
قم	٣٢		کلار	٣٢	
سلطان آباد	٣٢		آمل	٣٢	
کجور	٣٢		کلپایگان	٣٢	
سمیرم	٣٣		ساریه	٣٤	
شوشتر	٣٤	٢٤	خوار مابین طهران و سمنان	٣٤	
دیمه	٣٤		جنابد	٣٥	

نوع اوّل از فصل پنجم

اسامی بلاد	درجه	دقیقه	اسامی بلاد	درجه	دقیقه
کاشان	۳۵		استرآباد	۳۶	
ایروان	۳۶		فراوه	۳۶	
بصره	۳۶		عسکر مکرم	۳۶	
ابسکون استرآباد	۳۷		سمنان	۳۷	
طهران	۳۷		گرگانج	۳۷	
ورق	۳۷		خوارزم	۳۷	
دامغان و بهبهان	۳۸		ابله بصره	۳۸	
جرفادقان	۳۸		اصفهان	۳۹	
بسطام	۴۰		عبادان بصره	۴۰	
بارفروش	۴۰		رامهرمز و جرجان	۴۰	
مزینان و ورق	۴۱		طراز	۴۲	
بیارجمند	۴۲		سبزوار	۴۲	
قیساریه	۴۳		شیروان و نهر ابن شاپور	۴۴	
نشابور	۴۴	۲۵	ابرقو و طوس	۴۵	
نباکت	۴۶		المالیغ	۴۶	
سرخس	۴۷		یزد	۴۸	۲۹

نوع اوّل از فصل پنجم

اسامی بلاد	درجه	دقیقه	اسامی بلاد	درجه	دقیقه
تون	۴۸		ترشیز	۴۸	
خجنده	۴۸		سمرقند	۴۹	
بخارا	۴۹		نوبندجان	۴۹	
بلاد شاپور	۴۹		کش	۵۰	
دهدشت	۵۰		شیراز	۵۱	
زوزن	۵۱		هرات	۵۱	
کازران	۵۱	۵۷	بوشنج هرات	۵۲	
بادغیس هرات	۵۲		مرو	۵۲	
طبس	۵۲	۱۵	اسروشنه و اصطخر	۵۳	
ورقان	۵۴		کاشغر ترکستان	۵۴	
سیراف	۵۵		فاریاب	۵۶	
صغانیان	۵۷		هجر بحرین	۵۷	
خبیص و فیروزآباد	۵۸		ختن	۵۸	
کرمان	۵۸		بلخ	۵۹	
اشروقان بلخ	۵۹		کابل	۵۹	
قاین	۶۰		بحرین	۶۰	

نوع اوّل از فصل پنجم

اسامی بلاد	درجه	دقیقه	اسامی بلاد	درجه	دقیقه
پش بالغ	٦١		قراقرم	٦١	
سیستان	٦٢		سجستان	٦٣	١٨
تبت	٦٤		بست	٦٥	
قبادیان	٦٥		اندراب	٦٥	
بامیان	٦٦		جوزجان	٦٨	
لهاور و قندهار	٦٨		نرماسیر کرمان	٦٨	
قطیف و احسا	٦٩		کشمیر	٦٩	
خان بالغ و غزنین	٧١		جیرفت کرمان	٧١	
هرمز کرمان	٧٢		مولتان و بندر عباس	٧٢	
تهامه	٧٣		یمامه	٧٤	
بردسیر کرمان	٧٥		لاهور	٧٥	
اورکنج ترکستان	٧٨		منصوره سند	٨١	
دیبل و دهلی	٨٣		اکره	٨٤	
بنارس هند	٨٦				

تمامی بلاد مزبوره که قبلهٔ آنها منحرف از نقطهٔ جنوب بسمت مغرب است
در مابین نقطهٔ شمال و نقطهٔ مشرق واقع شده و موقع توجه اهالی بلاد

مزبو

فصل پنجم

مزبوره از اول سدس ثانی ضلع اوّل گرفته تا آخر سدس سادس ضلع مزبور یعنی از اوّل فضای باب بیت تا رکن عراقی شمالی که رکن شامی ینامند .

نوع دوّم از فصل پنجم . بلادیکه انحراف قبلهٔ آنها از نقطهٔ جنوب بسمت شرق است که عبارت از بلادیست که طولا از مکّه ناقص و عرضا زائد باشد

نوع دوّم از فصل پنجم

اسامی بلاد	درجه	دقیقه	اسامی بلاد	درجه	دقیقه
طایف و اربل	١		ملازجرد و خلاط	٤	
ارزن الروم و تکریت	٥		سیواس عثمانی	٥	
نصیبین	٦		ارزنکان و جانه	٨	
قرقیسیا	٩		سنجار	١٠	
دیاربکر و راس العین	١١		ماردین و آمد	١١	
رقه	١٤		حران	١٥	
حلب	١٦		شمشاط	١٨	
انطاکیه	١٩		ملطیه	٢٠	
سرمین	٢٢		بعلبک	٢٣	
مدینه منوره	٢٨		دمشق	٢٨	
طرابلس شام و حمص	٢٩		قنسرین	٣٠	

نوع دوم از فصل پنجم

اسامی بلاد	درجه	دقیقه	اسامی بلاد	درجه	دقیقه
عموریه و بروسیه کبری	٣١		سواس	٣٣	
طرسوس	٣٥		قسطنطنیه	٣۶	
سقلیت و صور شام	٣٧		قونیه عثمانی	٣٨	
ماقذونیه	۴٢		عسقلان	۴۴	
طور سینا	۴۵		بیت المقدس	۴٧	
صیدا	۵۶		اسکندریه	۵٨	
دمیاط مصر	۵٩		قلزم	۶۵	
قومص و طرابلس غرب	٧۶		قرطبه دار الملک اندلس	٧٧	
مهدیه	٨٠		قیروان	٨١	
		تاهرت علیا	٨٧		

تمامی بلاد مزبوره که قبلهٔ آنها از نقطهٔ جنوب بسمت مشرق انحراف دارد مابین نقطهٔ شمال و نقطهٔ مغرب واقع شده و موقع توجه اهالی بلاد مزبوره از اول سدس ثانی ضلع ثانی گرفته تا آخر سدس خامس ضلع مزبور منتهی شده یعنی از اول سدس ثانی رکن عراقی شمالی مزبور که رکن شامی هم گویند گرفته تا یک سدس برکن غربی مانده ختم شده

فصل پنجم

نوع ثالث از فصل پنجم بلادیکه انحراف قبلهٔ آنها از نقطهٔ شمال بسمت مشرق است

نوع سیم از فصل پنجم

اسامی بلاد	درجه	دقیقه	اسامی بلاد	درجه	دقیقه
صنعای یمن و عدن	١		زبید	٢٢	
جرمی دار الملک حبش	۵٣		دمقله	۶۴	
سوس اقصی	٧۵		طنجه بمغرب	٨۴	

بلاد مزبوره که قبلهٔ آنها از شمال بشرق انحراف دارد مابین نقطهٔ مغرب و جنوب واقع شده و موقع توجه اهالی آنها از اول ضلع ثالث گرفته بآخر آن منتهی شده یعنی مابین رکن غربی و رکن یمانی جنوبی است

نوع رابع بلادیکه انحراف قبلهٔ آنها از نقطهٔ شمال بسمت مغرب است

نوع رابع از فصل پنجم

اسامی بلاد	درجه	دقیقه	اسامی بلاد	درجه	دقیقه
سرندیب	۶۶		سومنات	٧١	
ماچین دار الملک چین	٨۴		نهلواره	٨٨	

بلاد مزبوره منحرفه از شمال بمغرب مابین نقطهٔ جنوب و نقطهٔ مشرق واقع شده و موقع توجه اهالی آنها بضلع رابع است که مابین رکن یمانی جنوبی و رکن حجر الأسود باشد ✦ . ✦ . ✦

فصل ششم

در بیان طول و عرض بلاد مشهوره از آنجائیکه در معرفت قبله دانستن مقدار طول و عرض بلاد مدخلیت تامه دارد فلذا صرف عنان قلم را به بیان طول و عرض بلاد معروفه لازم دانسته بدانکه طول بلاد را یونانیون از جانب مغرب از جزائر خالدات ملاحظه نموده اند که جزائر ست و جزائر سعد هم گویند که فعلاً بحر محیط غربی احاطه بآنها کرده و مابین ساحل بحر غربی محیط و جزائر خالدات ده درجه ملاحظه مینمایند یعنی جزائر مزبوره از ساحل دریا ده درجه بمغرب نزدیکتر است لکن علمای هند طول بلد را از مشرق ملاحظه مینمایند ما در این رساله عمل بمشهور که منصور در مابین یونانیین است مینمائیم ✦

و اما عرض بلد را تمامی علما نسبت بخط استواء ملاحظه میکنند و باید دانست که تفاضل بیکدرجه عرضاً مابین اهل حساب و فن کما اینکه تصریح نموده اند موجب تفاوت مسافت بیست و دو فرسخ

و دو تسع فرسخ است در صورت اختلاف عرضی فقط نه اختلاف طولی فقط یا اختلاف در هر دو مگر اینکه هر دو بلد در خط استواء باشند چه در آفاق مایله باعتبار تضایق نصف النهارین این ضابطه جاری نمی شود و از آنجائیکه نسبت سائر بلاد با مکه از جهة طول و عرض خالی از چهار نوع نسبت نیست زیراکه سائر بلاد یا زائد است از مکه طولاً و عرضاً یا بالعکس آن و یا اینکه ناقص است از مکه عرضاً و زائد است طولاً و یا بالعکس آن پس انسب آنست که هر یک از انواع چهارگانه را مستقلاً ذکر نمائیم و باید دانست که نوع اول که عبارت باشد از بلادیکه طول و عرض آنها زائد از طول و عرض مکه است حتماً این بلاد در مابین نقطهٔ شمال و مشرق مکه واقع خواهند شد ✦ . ✦

عرض مکه		نوع اول از فصل ششم	طول مکه	
درجه	دقیقه		درجه	دقیقه
۲۱	۴۰		۷۷	۱۰

اسامی بلاد	عرض بلاد		طول بلاد		ناحیه
	درجه	دقیقه	درجه	دقیقه	
احسا	۲۲		۸۴	۲۴	بحرین

نوع اول از فصل ششم

اسامی بلاد	عرض بلاد درجه	عرض بلاد دقیقه	طول بلاد درجه	طول بلاد دقیقه	ناحیه
قطیف	۲۵		۸۴		بحرین
دبیل	۲۵	۱۰	۸۸	۲۰	سند
هجر	۲۵	۴۵	۸۳		بحرین
قنوج	۲۶	۳۵	۸۷	۵۰	هندستان
بنارس	۲۶	۵۵	۱۰۷		هندستان
بید	۲۷	۱۵	۹۸		مکران
جیرفت	۲۷	۳۰	۹۳		کرمان
منصوره ۱	۲۸		۸۸		سند
کنج	۲۸	۵	۹۳		مکران
فیروزآباد	۲۸	۱۰	۸۷	۳۰	فارس
بَم	۲۸	۳۰	۹۴		کرمان
سیراف	۲۹		۸۸		فارس
نرماسیر	۲۹		۹۴	۲۰	کرمان
کازران	۲۹	۱۵	۸۷		فارس
شیراز	۲۹	۳۶	۸۸	۳۰	فارس

نوع اول از فصل ششم

اسامی بلاد	عرض بلاد درجه	عرض بلاد دقیقه	طول بلاد درجه	طول بلاد دقیقه	ناحیه
بردسیر	۲۹	۵۰	۹۲	۲۰	کرمان
مولتان	۳۰		۸۸	۳۵	هندستان
بصره	۳۰		۸۴		عراق عرب و بحرین
عبّادان	۳۰		۸۴	۳۰	بحرین
سابور	۳۰		۸۷	۵۵	خوزستان
اصطخر	۳۰		۸۸		فارس
نوبندجان	۳۰	۱۰	۸۷	۱۵	فارس
اُبُلّه	۳۰	۴۵	۸۴		عراق عرب
خَبیص	۳۱		۹۳		کرمان
اهواز	۳۱		۸۵		خوزستان
رامهرمز	۳۱		۸۵	۴۵	خوزستان
جُندیسابور	۳۱	۱۵	۸۴	۵	خوزستان
عسکرمکرم	۳۱	۱۵	۸۴	۳۰	خوزستان
کوفه	۳۱	۳۰	۷۹	۳۰	عراق عرب
یزد	۳۲		۸۹		فارس

نوع اوّل از فصل ششم

اسامی بلاد	عرض بلاد		طول بلاد		ناحیه
	درجه	دقیقه	درجه	دقیقه	
لاهور	۳۲	۵۰	۸۹		هندستان
شُشْتَر	۳۲	۳۰	۸۵		خوزستان
جَرْبادَقانْ	۳۲	۱۵	۸۵	۳۰	عراق فارس
واسط	۳۲	۲۰	۸۱	۳۰	عراق عرب
اصفهان	۳۲	۲۵	۸۷		عراق فارس
زرنج	۳۲	۳۰	۹۷		سجستان
نرماسیر	۳۲	۳۰	۹۴	۲۰	کرمان
طبس عناب	۳۳	۱۵	۹۴	۱۵	قوهستان
مداین	۳۳	۱۰	۷۹		عراق عرب
میمنه	۳۳	۲۰	۸۱	۵۵	افغان
طبس کریت	۳۳	۳۰	۹۲		قوهستان
غزنه	۳۳	۳۵	۸۸	۲۰	زابلستان
قاین	۳۳	۴۰	۹۳	۲۰	قوهستان
سرّمن رأی	۳۴		۷۹		عراق عرب
کاشان	۳۴		۹۶		عراق فارس

نوع اوّل از فصل ششم

اسامی بلاد	عرض بلاد		طول بلاد		ناحیه
	درجه	دقیقه	درجه	دقیقه	
رُحْبَه	۳۴	۱۰	۷۸	۳۰	عراق عرب
رباط امیر	۳۴		۸۵		مکران بلوچستان
سِنْیز	۳۴	۱۵	۸۵	۴۰	بین فارس و بصره
بامیان	۳۴	۱۵	۱۰۲		افغانستان خراسان
نهاوند	۳۴	۲۰	۸۳	۱۵	عراق فارس
موصل	۳۴	۳۰	۷۷	۱۱	ارمنیه
مراغه	۳۴	۲۰	۸۰		آذربایجان
تکریت	۳۴	۳۰	۸۸	۲۰	ارمنیه
ماین	۳۴	۴۰	۸۵		فارس
بوشنج	۳۴	۵۰	۹۴	۵	افغانستان خراسان
اربل	۳۵		۷۷	۲۰	ارمینیه
طهران	۳۵		۸۷	۴۰	عراق فارس
ترشیز	۳۵		۹۲		خراسان
دینور ماه کوفه	۳۵		۸۳		عراق عرب
کشمیر (قشیر)	۳۵		۸۴		هندستان

نوع اوّل از فصل ششم

اسامی بلاد	عرض بلاد		طول بلاد		ناحیه
	درجه	دقیقه	درجه	دقیقه	
همدان	۳۵	۱۰	۸۵		عراق فارس
زوزن	۳۵	۲۰	۹۳	۳۰	خراسان
تون	۳۵	۳۰	۸۸	۳۰	قوهستان
بادغیس	۳۵	۲۰	۹۴	۲۰	افغان از هرات
جویبار	۳۵	۳۰	۹۸		از اطراف مرو خراسان
اره جان	۳۵	۳۰	۸۷	۳۰	فارس
شهرزور	۳۵	۳۰	۸۸	۲۰	فارس
هرات	۳۵	۳۰	۹۴	۲۰	افغانستان خراسان
خوار	۳۵	۴۰	۸۷	۱۰	عراق فارس
سار	۳۵	۴۲	۸۹	۵۰	قومس
سمنان	۳۶		۸۸		جرجان
اندراب	۳۶		۹۶		خراسان از اطراف بلخ
سمنجان	۳۶		۱۰۲		طخارستان
سهرورد	۳۶		۸۳	۲۰	ابهر قریب زنجان
کرخ	۳۶		۸۲	۴۵	عراق فارس

نوع اوّل از فصل ششم

اسامی بلاد	عرض بلاد		طول بلاد		ناحیه
	درجه	دقیقه	درجه	دقیقه	
سبزوار	۳۶	۵	۹۲	۳۰	خراسان
طالقان	۳۶	۱۰	۸۵	۴۵	طبرستان خراسان
دیمه	۳۶	۱۰	۸۷	۲۰	دماوند
بسطام	۳۶	۱۰	۸۹	۳۰	قومس
قم	۳۶	۱۵	۸۷	۴۰	عراق فارس
نیشابور	۳۶	۲۱	۹۴	۳۰	خراسان
کجه و کلار	۳۶	۲۵	۸۶	۵۰	طبرستان
دامغان	۳۶	۲۰	۸۸	۱۵	قومس
دیکان	۳۶	۳۰	۸۳	۴۰	عراق فارس
مروالرّوذ	۳۶	۳۰	۹۷		خراسان
اَبهر	۳۶	۴۵	۸۴	۳۰	من محال خمسه
فاریاب	۳۶	۴۵	۹۹		جرجان
ونوانج	۳۶	۴۵	۱۰۲	۲۰	طخارستان
استرآباد	۳۶	۵۰	۹۰	۳۵	طبرستان
بلخ	۳۶	۵۱	۸۱		خراسان

نوع اول از فصل ششم

اسامی بلاد	عرض بلاد درجه	دقیقه	طول بلاد درجه	دقیقه	ناحیه
جوغان	۳۶	۵۵	۹۵		جرجان
سرخس	۳۷		۹۷	۳۰	خراسان
طوس	۳۷		۹۱	۳۰	خراسان
مزینان	۳۷		۸۸		خراسان
بدخشان	۳۷		۱۰۴	۴۵	طخارستان
سارونیة	۳۷		۸۸		طبرستان
هوسم ارلان	۳۷		۹۵	۴۵	طبرستان
بلور	۳۷		۸۸		طبرستان مازندران
آبسکون	۳۷	۱۵	۸۹	۳۰	طبرستان
جرجان	۳۷	۱۵	۸۹	۳۰	طبرستان
قبادیان	۳۷	۱۵	۱۰۲		خرسان از اطراف بلخ
الموت	۳۷	۲۱	۸۵	۳۷	گیلان
آمل	۳۷	۱۵	۸۸		طبرستان
سلماس	۳۷	۴۰	۷۹	۱۵	آذربایجان
خوی	۳۷	۴۰	۷۹	۴۵	آذربایجان

نوع اول از فصل ششم

اسامی بلاد	عرض بلاد درجه	دقیقه	طول بلاد درجه	دقیقه	ناحیه
اشفورقان	۳۷	۴۵	۹۶	۳۰	ترکستان خراسان
بیش بالغ	۳۷	۵۰	۸۲		ترکستان خراسان
تبریز	۳۸		۸۲		آذربایجان
بست	۳۸		۸۰		زابلستان
اردبیل	۳۸		۸۸	۳۰	آذربایجان
مغان	۳۸		۸۹		آذربایجان
قندهار	۳۸		۸۸	۴۰	افغان چین
بغداد	۳۸	۲۵	۸۰		عراق عرب
نسف	۳۹		۹۸		ماوراءالنهر قرب سمرقند
نخجوان	۳۹	۴۰	۸۱	۱۵	اقصی آذربایجان
بادکوبه	۴۰	۳۰	۸۸	۳۰	روسیه
کش	۴۰	۳۰	۸۰	۳۰	جرجان
سمرقند	۴۰	۳۷	۹۹	۱۶	ترکستان خراسان
ورغان	۳۹	۴۰	۹۴	۱۵	خوارزم
بیلقان	۳۹	۵۰	۵۳	۳۰	ارمنیه کبری قرب ایروان

نوع اوّل از فصل ششم

اسامی بلاد	عرض بلاد درجه	عرض بلاد دقیقه	طول بلاد درجه	طول بلاد دقیقه	ناحیه
بخارا	۳۹	۵۰	۹۷	۳۵	ماوراء النهر
تبت	۴۰		۹۸		مجاور چین
اشروسنه	۴۰	۴۱	۸۳		ماوراء النّهر
بردعه	۴۱	۳۰	۸۸		ارمنیّه روسیه
شماخی	۴۱	۵۰	۸۵	۳۰	روسیه قرب شیروان
آنی	۴۱		۷۹		ارمنیه
هزار اسب	۴۱		۹۵		خوارزم
کاث	۴۱		۹۵		خوارزم
چنکره	۴۱	۲۰	۸۳		ارمنیه روسیه
شمکوره	۴۱	۵۰	۸۳		ارمنیه روسیّه
خجنده	۴۱	۵۱	۹۷	۳۵	ماوراء النّهر
اوزکنه	۴۲		۸۲	۵۰	ماوراء النّهر
شاشش	۴۲		۸۹		ماوراء النّهر
گرگانج	۴۲	۱۲	۹۵	۳۰	خوارزم
اخسیکث قصبه فرغانه	۴۲	۲۵	۸۱	۲۰	ماوراء النهر

نوع اوّل از فصل ششم

اسامی بلاد	عرض بلاد درجه	عرض بلاد دقیقه	طول بلاد درجه	طول بلاد دقیقه	ناحیه
نوزکاث	۴۲	۳۰	۹۳	۱۵	خوارزم
طراز	۴۲	۳۱	۹۵	۵۰	ماوراء النهر
اسفیجاب	۴۲	۳۶	۹۸	۵۰	ماوراء النهر
سقسین	۴۳		۸۶	۳۰	روسیه
تون کث ایلاق	۴۳		۹۰		ماوراء النهر
تونکث شاش	۴۳		۸۱		ماوراء النهر
اوش	۴۳	۱۰	۸۲	۲۰	ماوراء النّهر
آلمالغ	۴۴		۸۲	۳۰	ترکستان
قبالغ	۴۴		۸۸		ترکستان
اوشکگوران	۴۶		۸۳		ترکستان
خان بالغ	۴۶		۸۴		ترکستان
قراقرام	۴۶		۹۵		ترکستان
بیش بالغ	۴۷	۵۰	۸۲		ترکستان
تفلیس	۴۸		۹۸		ارمنیّه روسیّه
دربند	۴۸		۸۵		روسیّه

نوع اوّل از فصل ششم

اسامی بلاد	عرض بلاد درجه	دقیقه	طول بلاد درجه	دقیقه	ناحیه
کاشغر	۴۸		۸۷		ترکستان و ماوراء النهر
ختن	۴۸		۸۷		ترکستان و ماوراء النهر

نوع دوّیم از فصل ششم بلادیکه طول و عرض آنها ناقص از طول و عرض مکّه میباشد و آنها بدینقرار است و معلوم است که این بلاد مابین نقطهٔ جنوب و غرب مکّه واقع شده اند

نوع دوّم از فصل ششم

اسامی بلاد	عرض بلاد درجه	دقیقه	طول بلاد درجه	دقیقه	ناحیه
جبرتی	۹	۳۰	۶۵		دار الملک حبشه سودان
عدن	۱۱		۷۶		یمن
وبوجه	۱۴		۶۵		بربرستان
زبید	۱۴	۱۰	۷۴	۲۰	یمن
دمقله	۱۴	۳۰	۵۳	۴۰	نوبه
صنعاء	۱۴	۳۰	۷۷		یمن

فصل ششم

نوع سوّم از فصل ششم بلادیکه طولاً زائد از مکّه و عرضاً ناقص و حتماً مابین نقطهٔ شرق و جنوب مکّه واقع بجهة قلّت عمران این خط در نهایت قلیل است مثل بلاد ذیل :

نوع سوّم از فصل ششم

اسامی بلاد	عرض بلاد درجه	دقیقه	طول بلاد درجه	دقیقه	ناحیه
سرندیب	۱۰		۸۴		هندستان
سومنات	۲۰		۸۲		هندستان
طایف	۲۱	۲۰	۷۷	۳۰	حجاز

نوع چهارم از فصل ششم بلادیکه عرضاً زائد و طولاً ناقص از مکّه و حتماً در مابین نقطهٔ شمال و غرب مکّه واقع شده و قبله آنها از نقطهٔ شمالی بنقطهٔ شرق منحرف میباشد بدینقرار است جنوب

نوع چهارم از فصل ششم

اسامی بلاد	عرض بلاد درجه	دقیقه	طول بلاد درجه	دقیقه	ناحیه
یمامه	۲۳		۵۲	۳۰	بحرین
مدینهٔ منوّره	۲۵		۷۵		یثرب

نوع چهارم از فصل ششم

	عرض بلاد		طول بلاد		
اسماء بلاد	درجه	دقیقه	درجه	دقیقه	ناحیه
قوس	۲۵		۷۲		صعید مصر
صور شام	۲۵		۶۹		سوریه
دمشق	۲۵		۶۰		سوریه
تاهرت علیا	۲۹		۳۵		من بلاد مغرب
تاهرت سفلی	۲۹		۳۶		من بلاد مغرب
قلزم مصر	۲۹		۶۴		صعید مصر
مصر	۳۰		۶۵		مصر
ملطیه	۳۰		۷۰		روم
اسکندریه	۳۱		۶۲		اسکندریه
دمیاط مصر	۳۱		۶۳		صعید مصر
سجلماسه	۳۱		۳۷		سودان
سوس اقصی	۳۱		۱۷		مغرب
طبریه	۳۲		۵۸		سوریه
قیساریه	۳۲		۶۷	۳۰	فلسطین ساحل بحر شام
مهدیه	۳۲		۴۲		من بلاد مغرب

نوع چهارم از فصل ششم

	عرض بلاد		طول بلاد		
اسماء بلاد	درجه	دقیقه	درجه	دقیقه	ناحیه
صنعای دمشق	۳۲		۵۸	۲۵	سوریه
رمله	۳۲	۱۰	۶۶	۵۰	سوریه
بعلبک	۳۳		۶۰	۴۵	سوریه
حانه	۳۳		۶۰	۴۵	سوریه
حلب	۳۴		۷۲		شامات
قیروان	۳۵		۴۱		من بلاد مغرب
بیت المقدس	۳۵		۶۵		سوریه شام
طرابلس غرب	۳۵		۴۵		مغرب
طرابلس شام	۳۵		۶۹		سوریه
عسقلان	۳۵		۶۶	۳۰	سوریه از ثغور شام
حمص	۳۵		۶۰		سوریه
قرطبه دار الملک اندلس	۳۵		۴۸		اندلس
سرمین	۳۵		۶۱	۷	من اطراف حلب
انطاکیه	۳۵		۶۱	۲۶	سوریه
قنسرین	۳۶		۶۲		من اعمال حلب

نوع چهارم از فصل ششم

اسامی بلاد	عرض بلاد		طول بلاد		ناحیه
	درجه	دقیقه	درجه	دقیقه	
راس العین	۳۶		۷۴		جزیره بین شام
مالقه	۳۶		۷۳	۱۵	اندلس
سنجار	۳۶		۷۶		قرب ارمینیة
منبج	۳۶		۷۲	۱۵	من عمال حلب
حرلان	۳۶		۷۳		شامات
مصیصه	۳۶		۶۹	۱۵	من ثغور شام
طرسوس	۳۷		۶۹		من ثغور شام
سقیله	۳۷		۶۵		من ثغور روم
نصیبین	۳۷		۷۵	۲۰	جزیره بین شام و موصل
قرقیسا	۳۷		۷۲	۴۰	من شامات
ماردین	۳۷		۷۴		من جزائر شامات
آثینا	۳۷		۶۵	۴۰	یونان
ارزن الروم	۳۸		۷۷		من ثغور روم
ارزنکان	۳۸		۷۶		من ثغور روم
ارجیش	۳۸		۷۷		من ارمینیه کبری

نوع چهارم از فصل ششم

اسامی بلاد	عرض بلاد		طول بلاد		ناحیه
	درجه	دقیقه	درجه	دقیقه	
سناجرد	۳۸		۷۵		از ارمنیه کبری
قالیقلا	۳۹		۷۳	۲۵	از ارمنیه کبری
قونیه	۳۹		۶۵		ترکیه اناطولی روم
شمشاط	۴۰		۷۲	۳۵	روم
ماقدونیه	۴۱		۶۰		روم
رومیه کبری	۴۱		۷۵		رومیه کبری
عموریه	۴۳		۶۴		روم
قسطنطنیه	۴۸		۶۰		روم

و باید دانست بملاحظهٔ اختلافات واضحه در خصوص طول و عرض بلاد مابین ارباب فن علم بمحاذاة کعبه بلکه ظن بر آن غیر ممکن بلی اطمینان بجهة قبله حاصل نمیباشد و اگر استقبال جهة را نسبت بسائر بلاد کافی دانیم از اغلب محذورات مستریح میباشیم و اینکه میگویند انحراف یسیر در بلاد بعیده بلکه قریبه موجب انحراف کثیر از نفس کعبه بلکه بلد مکه میشود خالی از اشکال نمیباشد و امّا بنا باعتبار محاذاة نفس کعبه حتی نسبت باهالی سائر بلاد در صورت امکان علم یا ظن بمحاذاة نفس کعبه انحراف یسیر هم

محققاً

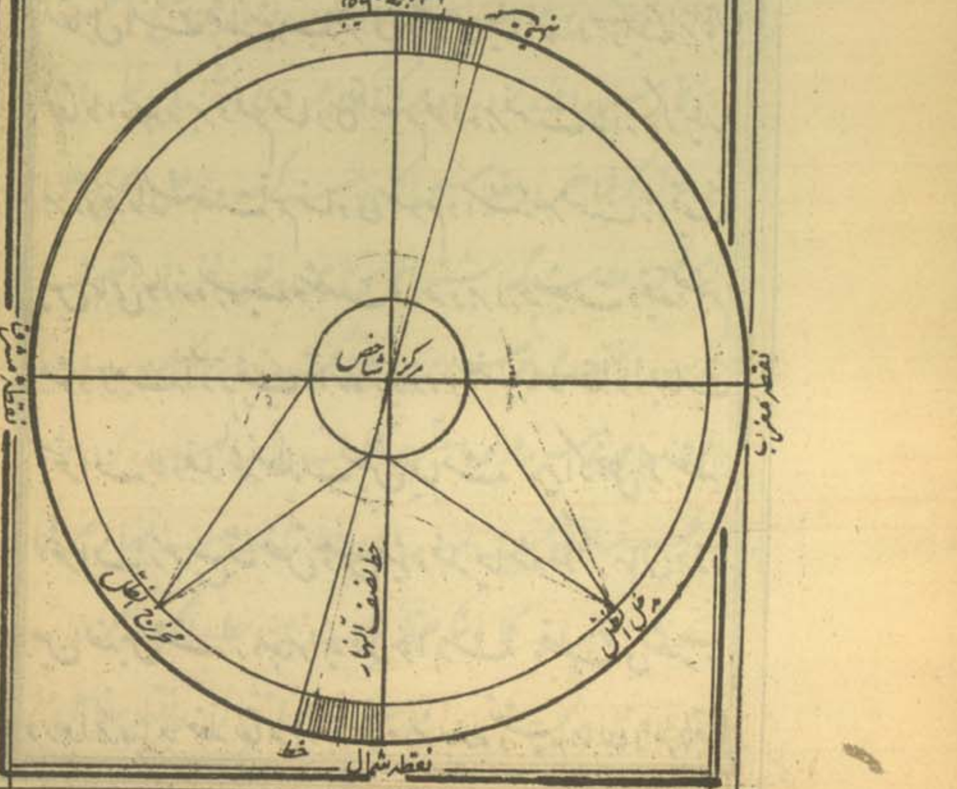
محققاً غیر جائز میباشد و از آنجائیکه با مجرد علم بمقدار تفاضل طولی و
عرضی مابین مکه و سائر بلاد مقدار انحراف معلوم نمی شد فلذا
ارباب فن دائرهٔ هندیه را بجهة تعیین مقدار انحراف تصدیق و
تصویب نموده اند

فصل هفتم

در بیان دائرهٔ هندیه و استخراج ظهر و قبله
با دائرهٔ مزبوره با انضباط مقدار و جهة انحراف بلد مطلوب بدانکه
دائرهٔ هندیه عبارت است از اینکه در روی زمین مسطح با طراز
اولاً رسم دائره نموده و در مرکز آن عمودی بمقدار ربع قطر دائره
در طول که شاخص و مقیاس گویند نصب کرده و بمدخل و مخرج ظل
شاخص علامت گذاشته و قوس مابین مدخل و مخرج را تنصیف
نموده و از منتصف قوس مزبور خطی کشیده و از مرکز مرور داده تا
بنقطهٔ مقابل قوس مزبور از آنطرف دائره رسیده که دائره را
بدو قسم مساوی قسمت نموده و این خط را خط نصف النهار جغرافی
و نجومی نامیده کما اینکه نقطهٔ آخر این خط را که در آخر دائره
مابین مدخل و مخرج ظل واقع شده نقطهٔ شمال و نقطهٔ مقابل از

انخط مرسوم را نقطهٔ جنوب مینامند وقتیکه سایهٔ شاخص بانتها رسید
و از خط نصف النهار مایل بجانب مشرق شد اول وقت ظهر همان
بلد میباشد و بعد از این خط عمودی از موقع شاخص بر خط نصف
النهار در روی دائره نصب کرده و این دو خط دائره را بچهار قسم
مساوی تقسیم مینماید و نقطهٔ آخر خط ثانی را که با دائره تلاقی میکند از
طرف طلوع آفتاب نقطهٔ مشرق جغرافی و نجومی مینامند و دیگری را که
مقابل آنست نقطهٔ مغرب جغرافی و نجومی مینامند و هر یک از مابین
نقاط اربعه را بنود (۹۰) قسم مساوی تقسیم نموده و هر قسمت را درجه گویند و
هر درجه را بشصت قسم مساوی مقسوم داشته هر قسمت را دقیقه نامند
پس تمامی دائره بسیصد و شصت درجه و هر درجه بشصت دقیقه تقسیم
میشود و بعد از ترتیب دائرهٔ مزبوره و انضباط مقدار و جهات
انحراف بلاد قبلهٔ بلد مطلوب معین میباشد زیرا که خطی که بنقطهٔ
انحراف از موضع شاخص وصل میشود قبله میباشد و اگر همان خط را
بین القدمین قرار دهد مواجه قبله خواهد شد و قطب نمای منصوب
در دائره با ملاحظهٔ نقاط اربعهٔ معلومهٔ مزبوره و تقسیم همان دائره باقسام

مزبوره و تعیین مقدار و جهات انحراف ابضه تعیین قبله بلد را میتوان نمود لکن تقریباً نه تحقیقاً زیراکه از قراریکه بعض ارباب فن ذکر نموده نصف النهار نجومی با نصف النهار مقناطیسی اندک اختلافی دارد و یعنی عقربه جنوبی قطب نما چهار درجه تقریباً از جنوب نجومی بجانب مشرق مایل است پس بعد از تشخیص جنوب با قطب نما باید چهار درجه بجانب مغرب مایل شد تا جنوب نجومی مطابق حاصل از ظل شاخص بعمل آید



فصل هشتم در بیان استخراج قبله با دائره هندیه با جهل بمقدار انحراف قبله بلد مطلوب با فرض معرفت طول و عرض بلد مزبور بدانکه نسبت بلد مطلوب با مکه معظمه طولاً و عرضاً و بادی نظر خالی از اقسام چهارگانه نیست قسم اوّل توافق بلد مطلوب و مکه عرضاً و طولاً قسم ثانی توافق بلد مطلوب با مکه عرضاً با تخالف در طول قسم ثالث توافق بلد مطلوب با مکه طولاً با تخالف در عرض قسم رابع تخالف بلد مطلوب با مکه طولاً و عرضاً اما قسم اوّل عقلاً غیر ممکن میباشد زیراکه دو نقطه در سمت واحد از دو خط یکی ممتد بجزائر خالدات و دیگری ممتد بخط استوا ممکن نیست باهم دیگری طولاً و عرضاً مساوی باشند و اما قسم ثانی اگر بلد مطلوب طولاً زائد از مکه باشد قبله آن نقطه مغرب خواهد شد کما اینکه اگر ناقص باشد قبله آن نقطه مشرق میباشد بنابر مختار که میزان در طول بلاد جزائر غربیه است نه شرقیه و اما قسم ثالث اگر بلد مطلوب زائد باشد عرضاً از مکه سمت نقطه جنوب قبله بلد مطلوب میباشد والا نقطه شمال و اما قسم رابع اگر بلد مطلوب زائد باشد از مکه طولاً و عرضا

پس تفاوت مابین طول مکه و بلد را بحسب درجات و دقایق ملاحظه و
مقدار مابه التفاوت را از نقطه جنوب دائره هندیه تاسمت مغرب
حساب کرده بهرجا که رسید علامت گذاشته و کذلک از نقطه
شمال دائره هندیه تاسمت مغرب همان مابه التفاوت را ملاحظه نموده
وحساب کرده بهرجا که رسید علامت گذارد بعد از این آن دو
علامت را با خط مستقیم بهدیگری وصل مینماید و این خط را خط نصف
النهار مکه مینامند وبعد ذلک تفاوت مابین عرض مکه وعرض
بلد مطلوب را ملاحظه نموده ومابه التفاوت بین العرضین را از نقطه
مشرق دائره هندیه حساب کرده تاسمت جنوب دائره بهرجا
که رسید علامت گذارد وکذلک از نقطه مغرب دائره مزبوره
تاسمت جنوب آن مابه التفاوت را ملاحظه نموده وبهرجا که رسید
علامت گذارد وبعد ذلک این دو علامت را باز با خط مستقیم
بهم وصل نماید و این خط را خط مشرق ومغرب مکه مینامند و
لامحاله این خط با خط سابق در یک موضع تقاطع مینماید و موضع
تقاطع را محل مکه قرار میدهد و از مرکز دائره مزبوره خط مستقیم

اخراج نموده بمحل مکه و محیط دائره میرساند و این خط را خط سمت قبله مینامند
واما اگر طول وعرض مکه زائد از طول وعرض بلد مطلوب باشد پس
مابه التفاوت بین الطولین را ملاحظه وحساب کرده از نقطه جنوب دائره
هندیه همان مقدار را بسمت مشرق رسانیده وبهرجا که رسید علامت
گذارد وکذلک از نقطه شمال تاسمت مشرق همان مقدار را ملاحظه
نموده بهرجا که رسد علامت گذاشته وعلامتین را با خط مستقیم
بهم وصل نماید و این خط را خط نصف النهار مکه قرار بدهد وبعد ذلک
مابه التفاوت عرضین را حساب نموده وهمان مقدار را از نقطه مشرق
دائره مزبوره تاسمت شمال آن ملاحظه کرده بهرجا که رسد علامت
گذارد وکذلک از نقطه مغرب تاسمت شمال ملاحظه مابه التفاوت
کرده بهرجا که رسد علامت گذارد وبعد از آن این دو علامت را
با خط مستقیم بهم وصل نموده و این خط را خط مشرق ومغرب مکه قرار
دهد و لامحاله این خط با خط سابق در یک موضع تقاطع مینماید و موضع
تقاطع خطین را محل مکه قرار داده پس از آن از مرکز دائره مزبوره
خط مستقیم اخراج نموده تا محل تقاطع ومحیط دائره و این خط را خط

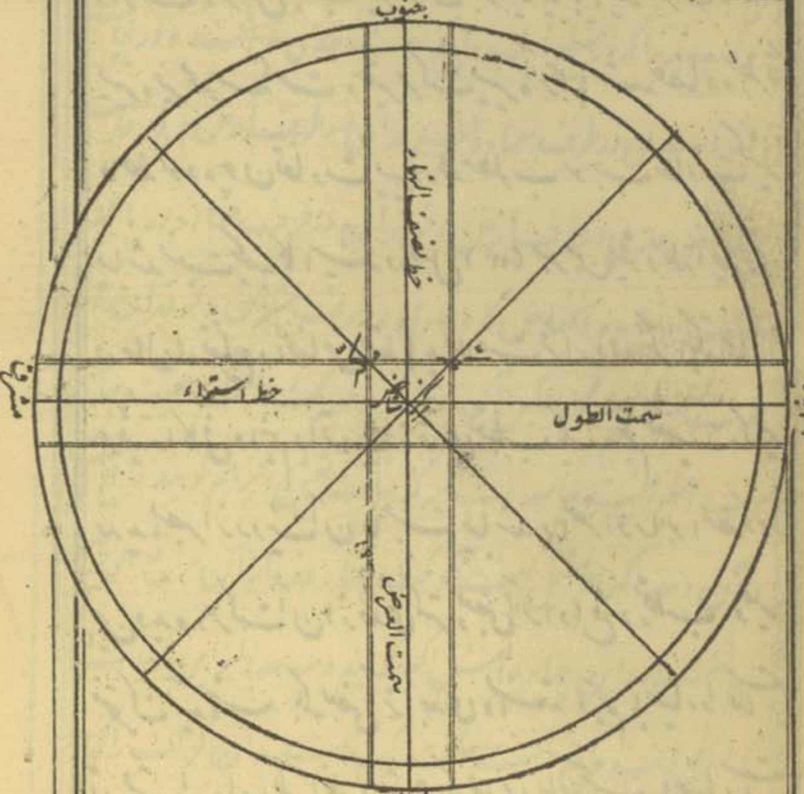
فصل هشتم

سمت قبلهٔ بلد قسمت را میدهد و بعبارة اخری اگر این خط را بین القدمین ومحل سجدهٔ خود قرار دهد مواجه کعبه خواهد شد و توضیح این با رسم دائرهٔ هندیه بقرار است لکن در قسم رابع که طول وعرض بلد مطلوب با مکه مخالف باشد اعمال این قاعده درصورت بودن آفتاب در درجهٔ هشتم جوزا یا درجهٔ بیست وسیم سرطان اقرب بتحقیق میباشد واگر این عمل را در کرهٔ جسمی که یکی ارضی ودیگری سماوی که حشو سماوی موافق عظیمهٔ کرهٔ ارضی باشد بقراریکه فاضل قندوینی در قبلة الآفاق مذکور داشته تحصیل مقدار انحراف وقبلهٔ بلد در نهایت سهل میباشد لکن این امر بهرکس درهمه اوقات ممکن نخواهد شد بخلاف دائرهٔ هندیه که باغلب اشخاص ممکن وبمقصد هم وافی میباشد و باستخراج قبله باهمین دائره اشاره فرموده سید در منظومهٔ خود حیث قال:

وتعلم القبلة فی بحر وبرّ ✦ فی غیر سطور بشئ مستطر والله العالم

فصل نهم

تصویر دائرهٔ هندیه



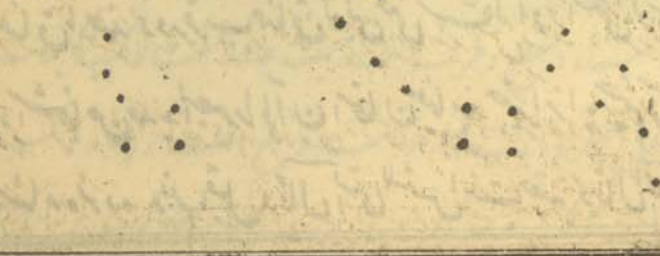
فصل نهم در بیان جدی وطریق معرفت آن که از جملهٔ امارات تعیین قبله میباشد بدانکه جَدْی بافتح جیم وسکون دال بوده لکن منجمین بجهة تمیز آن از جَدْیِ که یکی از بروج دوازده گانه است باضم جیم وفتح دال وتشدید یاء بروزن سُمَیّ خوانده اند؛

وآن نجم باضیاء ودر حول قطب شمالی معدل النهار واقع است
وازشدة قربش بقطب غیر متحرک بنظر میآید با اینکه متحرک بحرکة
یسیرهٔ غیر محسوسه است وحقیر حرکت یسیرهٔ آنرا باشبه عضاده اسطرلاب
ملاحظه نموده چون تفاوت یسیر در بلد مطلوب موجب تفاوت کثیر
نمیباشد نسبت بجهة کما اینکه در فصل (۱۴) مبرهن میشود فلذا جدی را
درحال ارتفاع وانخفاض فقط باید علامت قرار داد مگر اینکه محاذاة
عرفیه را کافی دانیم واقرب از جدی بقطب یک نجم خفیست که غیر
حدید البصر از رویت آن عاجزند میباشد واحقراورا بواسطه دوربین
دیده وحرکت آن از جدی کمتر وبعضی آنرا واقع در قطب وغیر
متحرک میدانند بلکه بعضی آنرا جدی دانسته ونجم باضیاء را علامت
آن قرار داده لکن اظهر آنست که جدی همان نجم باضیاء است
که باهل بر وبحر وبتعیین قبله سبب هدایت است فکیف کان آن نجم
باضیاء در مقطع وطرف ذنب هیئت جامعهٔ هفت کوکب که بنات
نعش اصغر ویا دب اصغر خوانند واقع است وچهار کوکب از
هفت کوکب مزبور که وضع مربع دارد نعش اصغر گویند وازآن چهار

دوکوکب باضیاء را که دراول واقع شده فرقدان گویند وسه کوکب
ازآن هفت کوکب که بشکل ذنب واقع شده بنات صغر نامند وآن
کوکب نیّر را که در مقطع ذنب واقع است جدی خوانند ودر غایت
ارتفاع جدی در طرف سماء وفرقدان در طرف ارض ودر غایت
انخفاض جدی در طرف ارض وفرقدان در طرف سماء ودر مابین
حالت ارتفاع وانخفاض گاه جدی در طرف مشرق وفرقدان در
طرف مغرب وگاه بعکس آن میباشد ودر یک طرف هیئت جامعه
دب اصغر هیئت جامعه دب اکبر که بنات نعش اکبر هم گویند واقع است
وآن دب اکبر هم مشتمل بهفت کوکب چهار عدد از آن مربع الوضع
وباضیاء واین چهار را نعش اکبر گویند وسه عدد از این کواکب سبعه
که بشکل ذنب واقع است بنات اکبر نامند وآن کوکب را که در
مقطع ذنب واقع شده قاعد گویند وآنرا که در وسط ذنب است
عناق نامند ودر قرب عناق کوکبی خفی هست که او را سُهی گویند
واشخاص حدید البصر را با آن امتحان مینمایند حقیر آنرا باچشم مسلح
مشاهده نموده ونعم ما قیل وقال السهی للشمس انت خفیة وقال الدجی

للنوز لونک حائل وفرقدان همهٔ اوقات با دو ذنب دب اکبر که عناق و ماقبل آن که چون بنات مند محاذی میباشد وکیف کان در یک طرف دب اصغر هیئت جامعهٔ دب اکبر واقع شده و در طرف اخر آن هیئت جامعهٔ ذات الکرسی که عدد آن سیزده و مشتمل شش کوکب با ضیاء است واقع گشته وکوکب نیّر را از آن شش کوکب که بر کرسی قرار یافته کف الخضیب درجهٔ ارض نامند گاهی ذات الکرسی در جهة سماء و دب اکبر در جهة ارض وگاهی بعکس آن وگاهی ذات الکرسی در جهة شرق و دب اکبر در جهة غرب وگاهی بعکس میباشد و در جمیع احوال مزبوره دب اصغر در ما بین هیئت جامعهٔ ذات الکرسی و دب اکبر واقعست بعد از احاطه باوضاع این سه هیئت جامعه معرفت جُدَی در جمیع فصول و اوقات شب سهل میباشد و تصویر این هیئت جامعه بدینقرار است

دب اکبر　　دب اصغر　　ذات الکرسی



فصل دهم در بیان کیفیت علامت بودن جُدی نسبت باهل عالم از آنجائیکه با اختلاف امکنهٔ بلاد کیفیت علامتی جدی اختلاف پیدا مینماید انسب انست که بعض اماکن را با کیفیت علامتی جدی در آن بالاستقلال عنوان نموده تا مابقی بالمقایسه معلوم شود بدانکه بلاد و اماکنی که در شمال کعبه واقع و قبلهٔ آنها موافق قطب جنوبی و عرض آنها زائد از عرض مکه وطول آنها با طول مکه مساوی باشد ولو تقریباً مثل موصل و اربل و ارزن روم و اربیش و عانه و ما والیها پس جدی را اگر ما بین دو کتف خود قرار دهد استقبال کعبه حاصل آید و اما بلاد و اماکنی که در جنوب مکه واقع و قبلهٔ آنها موافق قطب شمالی و طول آنها موافق با طول مکه ولو عرض آنها ناقص از عرض مکه باشد مثل صنعای یمن و عدن دار الملک یمن و طایف و ما والیها پس جدی را اگر ما بین دو چشم خود قرار دهد استقبال کعبه حاصل آید و اما بلاد واقعه در ناحیهٔ غرب که قبلهٔ آنها موافق با نقطهٔ مشرق میباشد مثل دمقله و اکثر بلاد نوبه اگر اهالی آنها جدی را بمحاذی روی جیب خود قرار دهد استقبال کعبه حاصل میباشد و اما اماکن و بلاد واقعه در ناحیهٔ مشرق که قبلهٔ آنها

موافق نقطهٔ غرب میباشد مثل نهلواره وغیره از بلاد هند پس اهالی آنها اگر
جدی را بر مقابل روی راست خود قرار دهند محاذاهٔ کعبه حاصل میگردد
و امّا در اماکن و بلاد واقعه در مابین نقطهٔ شمال و نقطهٔ شرق مکّه بالنسبه ببلاد
واقعه در قرب نقطهٔ شمال مثل اوساط عراق از بغداد و کوفه و نجف و مثل
آذربایجان و اشال آنها پس جدی را از مابین کتفین خود منحرف نموده
بجانب اول پشت شانهٔ راست خود و در نقاط شرقیهٔ عراق و مایقاربها
مثل بصره و اصفهان و کاشان و قم و ری و استراباد و سمنان و دامغان
جدی را بر وسط پشت شانهٔ راست خود قرار میدهد و در زائد از
اینمقدار با همین ترتیب انحراف را زیاده مینماید با اختلاف بلاد و اماکن
تا در نقطهٔ مقابل روی راست خود قرار میدهد و امّا در بلاد واقعه مابین
نقطهٔ شمال و نقطهٔ غرب مکّه بالنسبة ببلاد واقعه در قرب نقطهٔ شمال
پس جدی را از مابین دو کتف خود مائل مینماید بجانب اوّل پشت
شانهٔ چپ خود مثل انطاکیّه و حَلَب و ارزنکان و رُحبَه و سرمین
و ملطیّه و سیواس و نصیبین و تکریت و حمّص و قرقیسا و دیار بکر و سنجار
و بعد ذلک هر قدر از نقطهٔ شمال زائد از اینمقدار دور شده و بنقطهٔ

غرب نزدیک باشد با ترتیب سابق در انحراف عمل مینماید تا در نقطهٔ
غرب جدی مقابل روی چپ او واقع میباشد و امّا در بلاد واقعه در
مابین نقطهٔ مغرب و نقطهٔ جنوب پس با اختلاف مراتب انحراف بلاد
جدی را از مقابل روی چپ مایل مینماید تا در نقطهٔ جنوب در مقابل
مابین دو چشم خود قرار میدهد و امّا در اماکن واقعه در مابین نقطهٔ جنوب و
مشرق پس با ملاحظهٔ مقدار انحراف اماکن و بلاد جدی را از مابین دو
چشم خود منحرف میسازد تا در نقطهٔ مشرق مقابل روی راست او واقع
میباشد از انجائیکه مابین خط استوا و نقطهٔ جنوب چندان از بلاد معموره
واقع نشده جدی در قسمین اخیرین نفع بخش نخواهد شد و بعد از اندک
تردّی و تجربه با اعمال همین امارهٔ تمامی مطالب مزبوره از بدیهیات
اوّلیه میباشد و فاضل نراقی قدس سرّه در مستند تفصیلاً بتقریب مزبور
تصریح فرموده اند و نعم ما قال السیّد فی منظومته ولیعرف البعید
سمت القبلة من العلامات التی سیعت له فالجدی منها و هو
اعلی اٰیة حتّاً و بالایة والروایة الی ان قال و فی سهیل ما نریح
العلّة عکس الجدی فی بیان القبلة .

فصل یازدهم در تشخیص قبلهٔ بلد مطلوب با شرق و مغرب کما اینکه
بعض اعلام مذکور نموده‌اند و ممکن است استفادهٔ این مطلب از خبر شریف
که در فصل اول از سماعة مذکور شد قال سئلته عن الصلوة باللیل والنهار
اذا لم تر الشمس ولا القمر ولا النجوم قال اجتهد رایک وتعمد القبلة جهدک
و ممکن است استفادهٔ علم بقبله از خود آفتاب در وقت ظهر در بلاد یکه
طولاً با مکه متوافق باشد که نصف النهارین هر دو یکی باشد بشرط اینکه بلد
مطلوب در خارج منطقه و دورتر از میل کلی واقع شود پس در صورت
مفروضه در وقت ظهر اگر بجهتی قائم شود که آفتاب از مابین دو چشم او
رد شود همان جهة قبله خواهد شد و باین مطلب اشاره نموده سید
بحر العلوم اعلی الله مقامه در منظومهٔ خود والشمس للمعرق اذ تزول
بمیلها عن افقه دلیل وتقریب امارهٔ بودن شرق و غرب بشرح
ذیل خالی از وجه نیست بدانکه بلاد واقعه در شمال مکه در صورت توافق
در طول اگر اهالی آنها مشرق را در یسار و مغرب را در یمین خود قرار دهند
قهراً مواجه جهة کعبه میباشند کما اینکه در بلاد واقعه در جنوب مکه در صورت
توافق در طول اگر مشرق را بیمین و مغرب را بیسار خود قرار دهد باز

مواجه سمت قبله میباشد و در بلاد واقعه در غرب مکه با توافق در عرض اگر نقطه
مشرق را مابین دو چشم خود قرار دهد و کذلک در بلاد واقعه در شرق مکه با
توافق در عرض مغرب را مابین دو چشم خود قرار دهد باز مواجه سمت قبله میباشد
و در بلاد واقعه در مابین نقاط اربعه با ملاحظهٔ مقدار انحراف بلد مطلوب اگر
خود را منحرف نماید نظیر آنچه در جدی مذکور گردید باز میتواند تحصیل علم یا ظن
بقبله نماید لکن بعد از التفات براینکه مابین مشارق و مغارب در ظرف
سال اقلاً چهل و پنج درجه با ملاحظهٔ میل کلی شمالی و جنوبی اختلاف حاصل
میباشد معلوم میشود که از مراتب مزبوره زیاده از علم بجهة یا ظن بر آن
چیزی حاصل نخواهد شد بلی شخص عارف بدرجات مطالع و مغارب
یومیه و مقدار انحراف بلد و تطبیق در عمل و عدم غفلت میتواند مواجهة نفس
نفس کعبه را از شرق و غرب آفتاب تحصیل نماید کما اینکه اگر این ترتیب را
در شرق و غرب اعتدالین معمول دارد اوفق بمقصود میباشد و لقد
اجاد السید فی منظومته حیث قال ویجعل الغرب لدی اعتدال
عن الیمین والشرق عن شمال **فصل دوازدهم** در تشخیص
قبله با اوضاع قمریه کما اینکه از خبر سماعه مزبور میتوان امارهٔ بودن آن را

استفاده نمود بدانکه حضرات اعلام علامتی از ابدین ترتیب مذکور نموده اند اگر شخص ماه را شب هفتم از هر ماه باشد در وقت غروب آفتاب ویا در شب چهاردهم هر ماه در وقت انتصاف لیل ویا در شب بیست ویکم هر ماه در وقت فجر مابین دو چشم خود قرار دهد مواجه قبله میباشد.

و باید دانست که این تقریب در بلادیست که با مکه در طول متوافق و عرضا از میل کلی دورتر باشد واگر شخص عارف باوضاع نجوم باشد ممکن است بعد از احاطه بمقدار طول وعرض وارتفاع وانخفاض وسایر حالات آنها ومعرفت موقع بلد از هر یک از نجوم استفاده علم یا ظن بقبله نماید

فصل سیزدهم در تشخیص قبله با قبور مسلمین ومحاریب موضوعه ومعموله ایشان در مساجد ومشاهد وسرای وطرق مسلوکه ویا با ضرایح مقدسه بدانکه در این باب نصی در کتاب وسنة وارد نشده گرچه کلمات بعض اعلام در یک اندازه ظاهر بلکه صریح در اعتبار آنها است ممکن است نظر این بعض بسیره معموله بین المسلمین باشد لکن آنچه بعد از تروی وجمع کلمات اعلام وقواعد معلومه بنظر میرسد کما اینکه بعض ارباب تحقیق هم ملتفت شده امور مزبوره ابداً موضوعیت ندارد بلکه اعتبار آنها

دائر مدار علم یا ظن بر طباق آن وبدون حصول ظن اعتماد بر آنها مشکل بلکه غیر جائز میباشد وتوهم تصحیح اعتماد وتسهیل امر با اجراء قاعده حمل فعل مسلم بر صحت خالی از وجه میباشد زیرا که حمل فعل مسلم بر صحت در امور اجتهادیه غیر جاری میباشد ولذا تعویل بقبله شخص واحد را حضرات علماء کافی نمی دانند کما اینکه شیخ جواهر قدس سره تصریح باین فرموده واز آنجائیکه وضع امور مزبوره غالباً با تساهل یا اجتهاد وظنی شده اختلافات کثیره در محاریب وضرایح بلاد متحدة القبلة والقریبه مثل عراق واقع گشته ! مثل محراب مسجد کوفه نسبت بمسجد سهلة ونجف الأشرف وضریح عسکرین علیهما السلام نسبت بضرایح مقدسه نجف وکربلا وکاظمین علیهما السلام ومثل محراب مسجد حضرت رسول صلی الله علیه وآله نسبت بمحراب مسجد شجره ومحراب بعض مساجد واقعه در مدینه وقرب آن کما اینکه صاحب مقابس وغیره تصریح بر این نموده وفرموده اند که ضرایح مقدسه نجف وکربلا وکاظمین علیهما السلام اقرب بقواعد واقع گشته واما ضریح مقدس عسکرین علیهما السلام از یسار نصف النهار تقریباً بیست درجه منحرف واقع شده ومحراب مسجد سهلة قریب بر قواعد واما محاریب مسجد

کوفه از بین نصف النهار تقریبا چهل درجه واقع گشته ومحراب مسجد شجره وغیره
از بعض مساجد قرب مدینه مطابق قواعد واما محراب حضرت رسول صلی الله
علیه وآله مطابق خط نصف النهار واقع گشته وحال آنکه قبلهٔ مدینه سی وهفت
درجه از جنوب بسمت مشرق منحرف میباشد وصاحب جواهر قدس سره
از بعض ارباب فن نقل نموده که مسجد دمشق ومرو نیز بخلاف قواعد واقع شده
ودر هر دو امر به تیاسر را از بعض اعلام مذکور داشته اجمالاً بعد از اطلاع
براینکه اغلب مساجد در زمان عدم بسط ید رؤسای حقه بنا شده وبا اینکه بعدا
در زمان سلاطین جور تجدید وضع شده با ضم مسامحهٔ مباشرین از معمار وغیره
بمجرد امور مزبوره علم یا ظن بر طباق حاصل نخواهد شد بلی اگر از قرائن
خارجیه علم یا ظن بر طباق حاصل شود البته امور مزبوره مناط اعتبار خواهد
شد وممکن است با ملاحظهٔ امور خارجه غالبا ظن حاصل آید الحق شخصیکه
جهت کعبه را در استقبال کافی میداند از مداقه در این امور مستریح میباشد

فصل چهاردهم در بیان استحباب تیاسر قلیل نسبت باهل

عراق وبیان اشکال معروف بر آن بدانکه مشهور ما بین اعلام استحباب
تیاسر قلیل است باهل عراق ومدرک این حکم دو خبر شریف است

یکی خبر مفضل بن عمر سئلت ابا عبد الله ع عن التحریف لاصحابنا ذات
الیسار عن القبلة وعن السبب فیه فقال ان الحجر الاسود لما انزل به من الجنة
ووضع فی موضعه جعل انصاب الحرم من حیث لحقه النور نور الحجر فهی عن
یمین الکعبة اربعة امیال وعن یساره ثمانیة امیال کله اثنا عشر میلا فاذا
انحرف الانسان ذات الیمین خرج عن حد القبلة لقلة انصاب الحرم
واذا انحرف ذات الیسار لم یکن خارجا عن حد القبلة ودیگری
مرفوع علی بن محمد قیل لابی عبد الله ع لم صار الرجل ینحرف فی الصلوة
الی الیسار فقال لان للکعبة ستة حدود واربعة منها علی یسارک واثنان
منها علی یمینک فمن اجل ذلک وقع التحریف الی الیسار ومحقق طوسی
بمحقق حلی در اینباب ایراد نموده بتقریبی که حاصل آن اینست حکم باستحباب
انحراف هرچند قلیل باشد یا مستلزم حکم باستحباب واجب اگر مواجهه
حرم قبل از انحراف بعمل نیامده وموقوف بانحراف بوده باشد ویا مستلزم
حکم حرام که عبارت از خروج مواجههٔ حرم باشد بر تقدیر حصول مواجهه
حرم قبل از انحراف وتوضیح همین اشکال بقراریکه رضی الدین قزوینی
قدس سره در قبلة الافاق ذکر فرموده بدین تقریب است اگر فرض

گفتیم که توجّه مصلّی در کوفه مثلاً که اقرب بلاد عراق است بمکّه معظّمه بر نهایت
حدّ یمین حرم باشد و بقدر یک اصبع که اقلّ از آن قدر محسوسی ندارد منحرف
شود بجانب یسار بهمین تفاوت در امتداد ما بین مقام مصلّی و مسجد او که تخمیناً
دو ذراع است مستلزم آنست که در امتداد چهل و هشت ذراع بیست و چهار
اصبع شود که یک ذراع است و باین نسبت در چهل و هشت فرسخ یک
فرسخ میشود پس از کوفه تا حرم که تخمیناً دویست و چهل فرسخ است قریب
به پنج فرسخ میشود و این زیاده از قدر طول حرم است و در سائر بلاد
عراق فاحش میشود لکن صاحب جواهر قدس سرّه در قول باستحباب
در رفع اشکال اصرار اکید دارد و حلّ اشکال را بدین نحو تقریر فرموده
که تیاسر از قبله بقبله است و آن ادخل در حصول محاذاة است
کما اینکه از تعلیل مذکور در خبرین شریفین این تقریب روشن میشود —
لکن انصافاً اگر شخص اندک تأمّلی در تقریب مزبور قبلة الآفاق نماید —
واضح میشود که با جواب صاحب جواهر قدس سرّه حلّ اشکال نمیشود و لعلّ
بجهة تفطّن باین امر مؤیّد سماوی بحر العلوم اعلی الله مقامه در منظومه خود
فرموده والمیل للیسار فی هذا اشتهر وساعد النقل علیه لا النظر

بلی اشخاصیکه استحباب را منع نموده اند بجهة نسبت ضعف بخبرین مزبورین
مثل علّامه در منتهی و سید در مدارک و محقّق سبزواری در ذخیره از این اشکال
آسوده میباشند لکن بعض اعلام مثل صاحب مقابس و مستند این دو خبر را
بتقیه حمل نموده اند نه بملاحظهٔ اینکه استحباب تیاسر مذهب عامه بوده بلکه بملاحظهٔ
اینکه اغلب مساجد عراق در زمان سلاطین جور منحرف ابر یمین تاسیسا یا
تجدیدا بنا شده و اظهار خطأ ایشان محلّ خطر بوده فلذا امر به تیاسر نموده
و تعلیل فرموده اند بنحویکه همان تعلیل در نزد ایشان هم مرضی میباشد اگر
شخص ملاحظهٔ وضع مسجد کوفه را که جامع اعظم میباشد نماید ممکن است این
توجیه را وجیه بشمرد و پس بنابراین تیاسر در موارد مزبوره واجب میباشد
کما اینکه ظاهر کلام شیخ در خلاف و نهایه و صریح آن در مبسوط حکم بوجوب
تیاسر است پس بعد از احراز قبله حکم باستحباب تیاسر در نهایت مشکل
بلی در قرب مکه در موارد دیگه انحراف ادخل در محاذاة باشد حکم باستحباب
تیاسر محذوری ندارد کما اینکه فاضل قزوینی این توجیه را از بعض اساتید
خود در این باب نقل نموده والله العالم

فصل پانزدهم در بیان وجه آنچه ارباب فنّ در تشخیص قبله بادائره

هندیه مذکور نموده اند که این عمل در وقت بودن آفتاب در درجهٔ هشتم جوزا
یا درجه بیست و سیم سرطان اقرب به تحقیق میباشد بدانکه توضیح و تقریب
این مطلب محتاج به فهم امور عدیده است اوّل اینکه باید دانست در
وقت بودن آفتاب در این دو درجه که هر دو از درجات شمالیه میباشند
مساوی میباشد عرض آفتاب یعنی مقدار بعد آن از معدّل النهار با عرض
مکه که عبارت میباشد از بیست و یک درجه و چهل دقیقه پس در هر یک
از این دو درجه ظلّ شاخص منصوب در مکه در وقت نصف النهار مکه
منعدم میباشد دوّم اینکه باید فهمید در موقعی که وقت نصف النهار ظلّ
شاخص منعدم شد در همان وقت در مواقع اخر که ظلّ شاخص آنها
بارض منبسط میشود اگر از سمت همان اظلّه منبسطه خطّ مستقیمی وصل بدائره
افق بشود لابدّ این خطّ از موقع شاخص منعدم الظلّ مرور خواهد نمود و
این امر بعد از اندک تأمّل از بدیهیات شمرده میشود پس در صورت
بودن آفتاب در همان دو درجه در وقت نصف النهار مکه اگر در بلد
مطلوب سمت ظلّ شاخص منصوب را قبله خود قرار دهد مواجه کعبه
خواهد شد سوّم اینکه باید دانست هر یک از دوائر عظام را بسیصد و

شصت

شصت متساویه تقسیم نموده اند هر درجه را چهار دقیقه و هر پانزده درجه را
که شصت دقیقه میباشد یک ساعت فرض نموده اند پس سیصد و شصت
درجه عبارت میباشد از بیست و چهار ساعت فلذا مقدار سیر آفتاب
با حرکت قهریه که هر شبانه روز سیصد و شصت درجه است عبارت
میباشد از بیست و چهار ساعت چهارم اینکه مقدار فاصله مابین
نصف النهار مکه و بلد مطلوب از ملاحظهٔ مابین التفاضل بین الطولین روشن
میباشد پس اگر بلد مطلوب بفاصلهٔ پانزده درجه در غرب مکه واقع
شود آنوقت حکم مینمائیم بر اینکه نصف النهار مکه یکساعت قبل از نصف
النهار بلد مطلوب میباشد و اگر بلد مطلوب بفاصلهٔ پانزده درجه در
شرق مکه واقع شود نصف النهار مکه یک ساعت بعد از نصف النهار بلد
مطلوب میباشد و بعد از احاطه بامور مزبوره واضح میشود اینکه در روز
بودن آفتاب در درجهٔ هشتم جوزا یا بیست و سیم سرطان اگر ظلّ شاخص
بلد مطلوب را در وقت نصف النهار مکه علامت گذارد و سمت ظلّ
شاخص را مابین قدم و مسجد خود قرار دهد قهراً مواجه کعبه خواهد شد
فلذا این ترتیب را اهل فنّ اقرب به تحقیق شمرده اند .-

فصل شانزدهم دربیان مواقع اقالیم سبعه وبیان مقدار طول وعرض آنها با ذکر بعض بلاد واقعه در هریک از آنها بدانکه تمامی اقالیم سبعه در جانب شمال خط استواء واقع گشته ومبدء طول هریک از آنها از مغرب تا مشرق میباشد وارباب فن هریک از اقالیم سبعه را از جهة طول باجزاء عشرهٔ متساویه تقسیم نموده وآنچه هریک از اجزاء مزبوره بان مشتمل است از بلاد وجبال وبحار وانهار مشروحا مذکور نموده اند طالبین بکتب مبسوطهٔ این فن مثل نزاهة المشتاق علوی ادریسی وغیره رجوع نماید ودر مقدمهٔ ابن خلدون هم قدری مشروح گشته ومبدء عرض هریک از اقالیم ـ نسبت بخط استواء بدین قرار است امّا مبدء اقلیم اول در نزد ـ بعضی از خطّ استواء است ودر نزد جمهور مبدء آن بعد از دوازده درجه وچهل دقیقه از خطّ استواء است ودر نزد فریقین آخر عرض اقلیم اوّل الی بیست درجه وبیست هفت دقیقه است وبلاد واقعه در این اقلیم بسیار است من جملهٔ بعض بلاد بربر مثل غانه که معدن الذهب هم گویند وبعض بلاد نوبه مثل دنقله وبعض بلاد حبشه مثل جرمیّ وبعض بلاد حجاز مثل سعلا ونجران وصحار قصبهٔ عمان واکثر بلاد یمن مثل زبید وعدن و

شهاره وصنعا وسبا وظفار وحدام وحضرموت وبعض بلاد هند مثل سرندیب وسقطری وبعض بلاد صین مثل خانکو وغیرها ودر جزء اوّل غرب این اقلیم چهار جزیره از جزایر خالدات ودر جزء عاشر آن که جزء شرقی است جزائر سیلان واقع گشته وجزیرهٔ سرندیب که مدورة الشکل است در جزء سابع شرقی این اقلیم واقع است وامّا مبدء اقلیم ثانی بعد از بیست درجه وبیست وهفت دقیقه گرفته تا بیست وهفت درجه ونیم از خطّ استواء منتهی میشود ودو جزیره از جزائر خالدات در غرب این اقلیم واقع وطرف شرق آن متصل به بحر محیط میباشد واز جملهٔ بلاد واقعه در این اقلیم است مکه معظمّه ومدینه منوّره وینبع وجده وخیبر وطایف وقید ونوع ویمامه واحسا وقطیف وبحرین وقطر و دبیل ومکران ومنصورهٔ سند وسومنات وماهوره وهرمز واکثر بلاد هند وسند وچین وعمان ونجه وافریقا وبعض بلاد بربر وقنوج وچترفت ونهلواره واحمدآباد واسلام آباد ومرشدآباد وبنارس وکلکته وغیرها وامّا مبدء اقلیم ثالث از آخر بیست وهفت درجه ونیم شروع نموده ودر آخر سی وسه درجه وسی وهفت دقیقه ختم میشود ..

و در غرب این اقلیم جبل دَرَن معترض گشته و در شرق آن بلاد نهر جیحون
واقع شده و از بلاد واقعهٔ این اقلیم است بلاد طنجه و بعض بلاد بربر و افریقا
و سوس و قیروان و طرابلس و اسکندریه و مصر و دمیاط و تنیس
و بیت المقدس و طبریه و دمشق شام و کوفه و مداین و بغداد و واسط و
قادسیه و حیره و بابل که معروف بحله است و نهروان و قصر ابن
ابی هبیره و فلسطین و بعلبک و اکّا و پرت سعید و صور و صیدا
و قلزم و عسقلان و رمله و قصر احمد و فاس و اهواز و اصفهان
و فارس و یزد و بردسیر مدینهٔ کرمان و خبیص کرمان و سجستان
و کیج مکران و بُست و زابل و مولتان سند و زرنج و نرماسیر
و قشمیر و دار الملک چین و حلوان و ابلّه و میمنه و غزنین و ششتر
و دُهلی و اکرّه و بندر عباس و لاهور و اذرعات و بیت
و عسکر مکرم که معروف به رامهرمز است و ارّه جان معروف به
بهبهان و سیف البحر و ابرقو و گازران و نوبندجان و فیروز
آباد و شیراز و داراب جرد و طبس و فیروزکوه و کابل
و قندهار و امّا مبدء عرض اقلیم رابع از آخر سی و سه درجه و سی و

هفت دقیقه گرفته در سی و هشت درجه و پنجاه و چهار دقیقه ختم میشود
جزء اول آن در طرف غرب بحر محیط و جزیرهٔ خضراء و جزء عاشر
در طرف شرق متصل بجبل یأجوج و مأجوج و از بلاد واقعه در این اقلیم است
طرسوس و طرابلس شام و انطاکیه و حلب و ملطیه و وادی نصیبین و موصل
و سرمن رای و رضائیه (ارومیه) و مراغه و تبریز و خوی و اردبیل
و نهاوند و مهرورد و زنجان و سلطانیه و همدان و قزوین و دیلم
و ساوه و قم و الموت و کرج و آمل و طهران و کاشان
و ساریه و سمنان و دامغان و سبزوار و نیشابور و طوس
و تون و بسطام و جرجان و شهرستان و استراباد و هرات
و سرخس و مرو و فاریاب و غرجستان و بلخ و ترمذ و
بدخشان و تبّت و جبال کشمیر و بعض بلاد ختا و ختن و شمال
بلاد صین و جیلان و طبرستان و بردعه و کاخط و کاسه و
طبریه و طالقان و رباط امیر و تکریت و حمص و گنجه و دیاربکر
و کرمانشاه و جوی بار و غیرها و امّا مبدء عرض اقلیم خامس از
آخر سی و هشت درجه و پنجاه و چهار دقیقه گرفته در آخر چهل و سه

درجه و بیست و دو دقیقه ختم میشود و از جملهٔ بلاد مشهوره این اقلیم است
خوارزم و بخارا و کاشغر و سمرقند و فرغانه و حدود طراز و شیروان
و ارزن الروم و نسف و کش و شاش و ختن و اوزکند و دغان
و کرکانج و هزاراسب و بعض بلاد روم مثل عموریه و قونیه و انکوریه
و قیساریه و غیرها و جزء اول این اقلیم از جانب غرب متصل به بحر
محیط و جزء عاشر آن که طرف شرق است متصل به بلاد یاجوج و
ماجوج میباشد و اما مبدء اقلیم سادس از آخر چهل و سه درجه و بیست و دو
دقیقه گرفته در آخر چهل و هفت درجه و دوازده دقیقه خاتمه مییابد و
از جملهٔ بلاد واقعه این اقلیم است قسطنطنیه و موقان و بعتیس و خزر
و آلمانیغ و بیش بالیغ و خان بالیغ و قراقرم و اندلس و اسفیجاب
و اناسیه و بعض بلاد روس و جزء اول غربی این اقلیم متصل به
بحر محیط و اراضی بریطانیه و جزء تاسع شرقی آن متصل بسد اسکندر
و جزء عاشرش متصل باراضی یاجوج و ماجوج و بحر محیط میباشد
و اما مبدء اقلیم هفتم از آخر چهل و هفت درجه و دوازده دقیقه گرفته
و در آخر پنجاه درجه و بیست دقیقه که آخر عمارت است خاتمه مییابد.

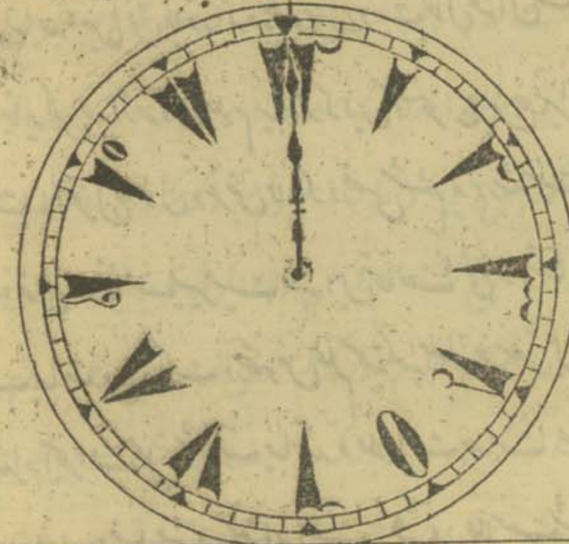
و از بلاد واقعه این اقلیم است بعضی اراضی صقلبیه مثل اقلیلیه که بر
بیست و سه شهر مشتمل است و بعض بلاد روس و بلغار و غیرها و جزء اول
و ثانی از طرف غرب این اقلیم مغمور در بحر محیط و متصل به جزیرهٔ انگلتره
و جزء عاشرش از طرف شرق مغمور در بحر محیط و در جزء تاسع این اقلیم
بلاد خفشاخ و جبل قوقیا و سد یاجوج و ماجوج و اراضی آنها واقع است
و در جزء ثامن شرقی این اقلیم عجایب عظیمه نقل نموده اند والله العالم
چون در ذکر بلاد اقالیم باعتقاد احقر مختصر اشتباه شده فلذا در تشخیص
واقع و در رفع اشتباه اگر رجوع به فصل چهارم شود که طول و عرض بلاد
در آن مضبوط شده بهتر و معین در تعیین اقلیم بلد میباشد مگر اینکه در استخراج
عرض آن بلد اشتباه شده باشد و ذکر این فصل گرچه چندان محل
حاجت نبوده لکن بملاحظهٔ اینکه خالی از معاونت در تعیین عرض
بلد نبود در ذکر آن تأسی بر بعض اعلام حاصل آمد

فصل هفدهم در بیان مقدار اختلاف مابین ساعات بلاد
مشهوره که از جملهٔ آنها مکهٔ معظمه است الحق این امر عمده وسیله میباشد
در تشخیص جهات و مقدار طول بلاد و تعیین ما به التفاضل طولی مابین

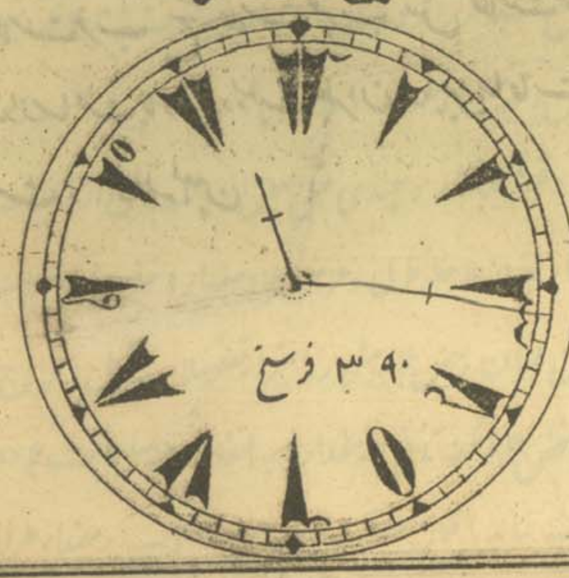
مکه معظمه و بلد مطلوب زیرا که مقدار بیست و چهار ساعت نظیر سیصد و شصت درجه و یکساعت نظیر پانزده درجه و یکدرجه نظیر چهار دقیقه خواهد بود فلذا در وقت نصف النهار طهران اگر بنصف النهار مکه معظمه چهل و چهار دقیقه بماند معلوم میشود که مکه در یازده درجه طولاً در غرب طهران واقع شده و در فرض مزبور اگر در تبریز هجده دقیقه بنصف النهار مانده باشد معلوم میشود که مکه شش درجه و نیم در غرب تبریز واقع شده و اگر در فرض مزبور مکه از نصف النهار مشهد رضوی بیست و پنج دقیقه گذشته باشد معلوم میشود که مکه در هفده درجه و یکربع در طول غربی مشهد واقع گشته زیرا که در مثال ثانی ما به التفاوت مابین مکه و تبریز بیست و شش دقیقه خواهد شد و در مثال ثالث مابین مکه و مشهد رضوی یکساعت و نه دقیقه میباشد و چندی قبل بعض ارباب فن از زیجات ایرانی و خارجه از ملاحظه طول و عرض بلاد مقدار اختلاف ساعات و مسافات مابین طهران و بعض بلاد مشهوره را بقرار تفصیلات ذیل استخراج نموده اگر شخص با اندک تأمل در مقدار ما به التفاوت ساعات بلاد ذیل صرف دقت نماید با کمال سهولت جهت بلد مطلوب و مقدار طول و انحراف

آنرا نسبت بمکه معظمه تعیین خواهد نمود و ممکن است با ملاحظه مراتب مزبوره تقارب و تباعد مابین افق بلاد را که در خصوص رؤیت هلال عنوان شده استخراج بنماید لکن بعد از تروّی معلوم میباشد که این استخراج راجع بمیزان الساعات با استخراج طول و عرض بلاد که در فصل ششم مذکور شد نسبت ببعض بلاد خالی از تخالف یسیر نیست البته این تخالف ناشی از اشتباه در حساب میباشد و مع ذلک در خصوص علم بجهت کعبه معظمه غیر مضر بل در تعیین مقدار انحراف مخلّ و مشکک میباشد و علامات جهات اربعه که در فوق ساعات ضبط میشود بدین قرار است قَ علامت شرق بَ علامت غرب جَ علامت جنوب شَ علامت شمال و ضمناً مقدار مسافت بلاد مزبوره نسبت بطهران در مابین ساعات منضبط شده والله المعین

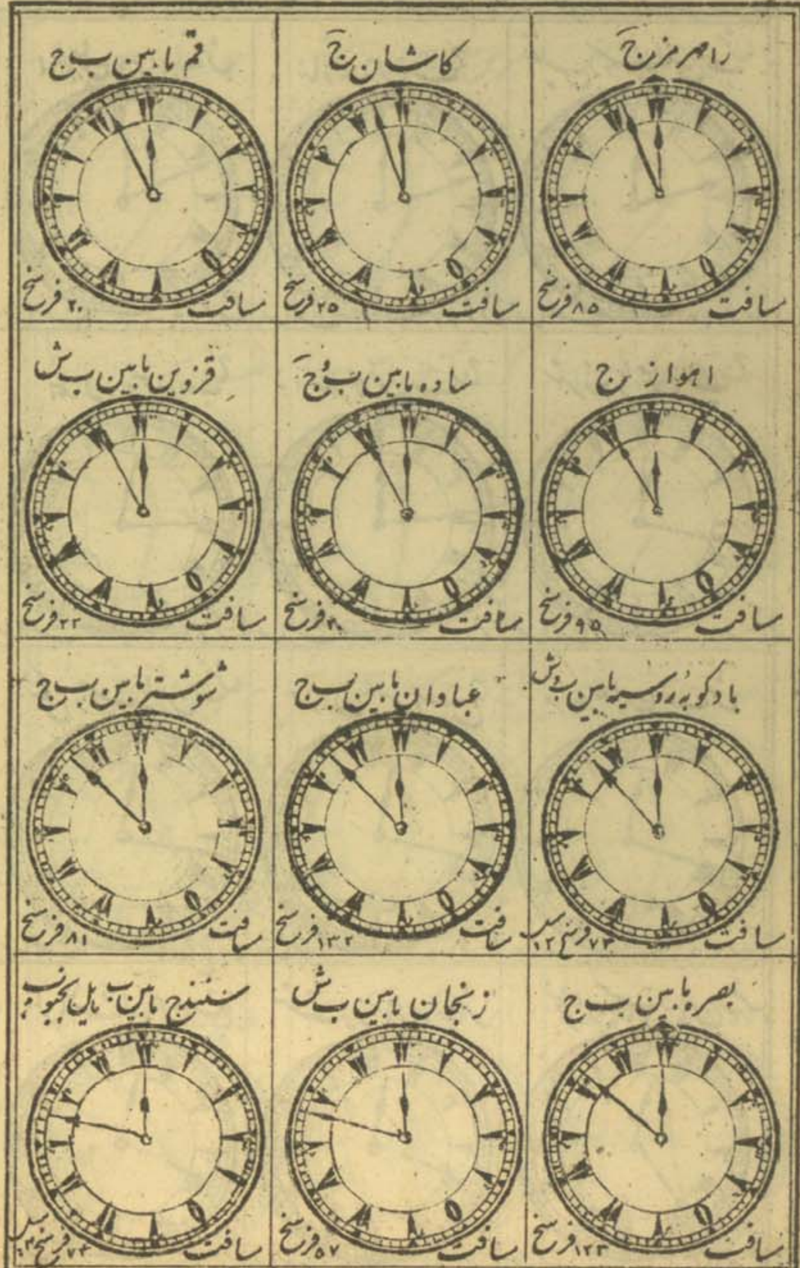
طهران

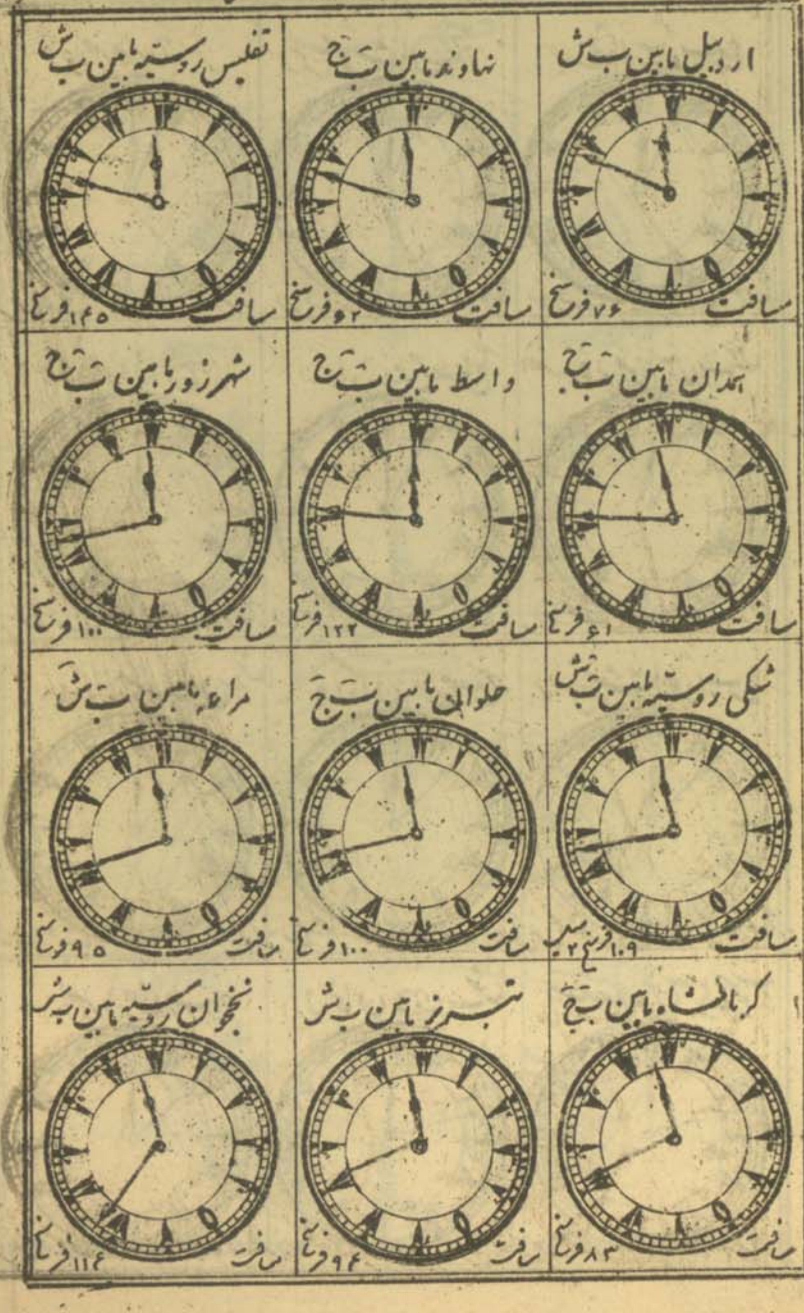


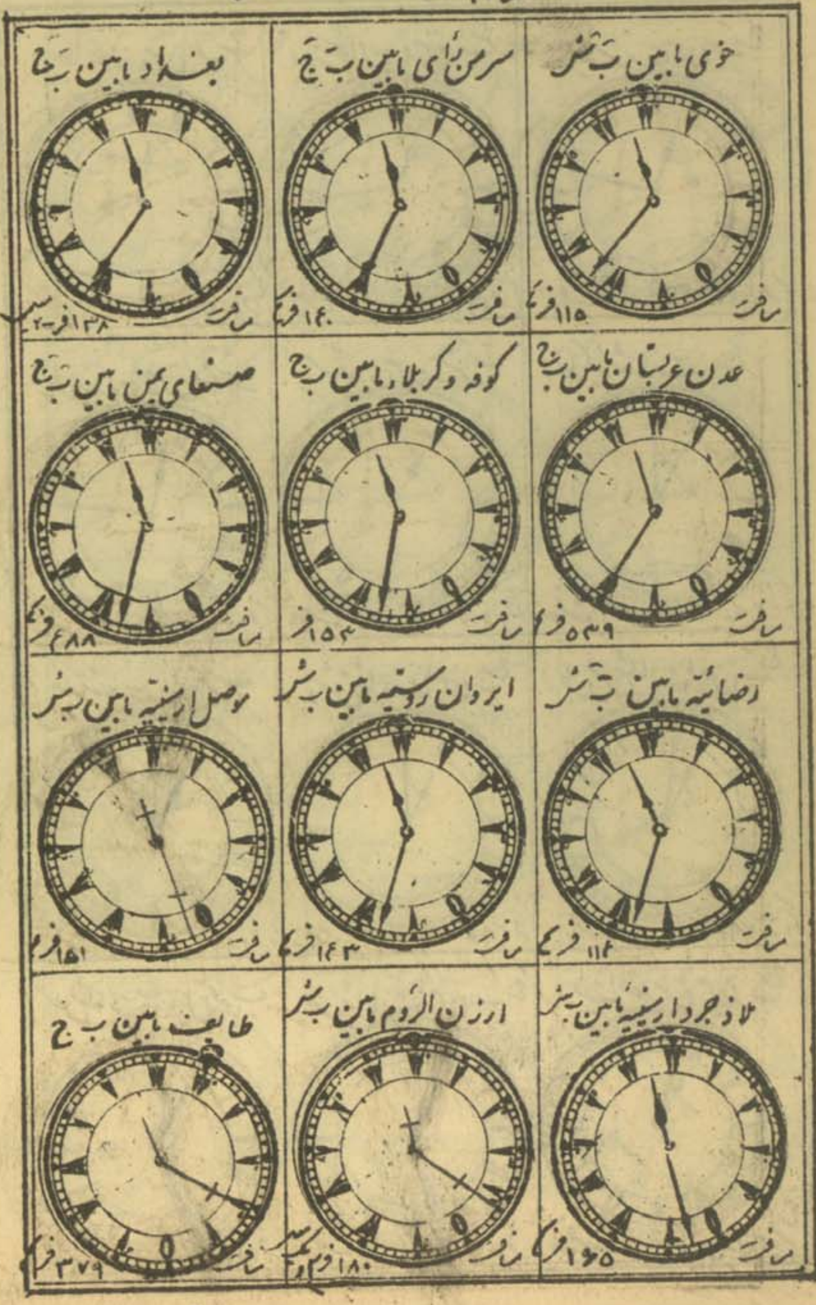
مکّه



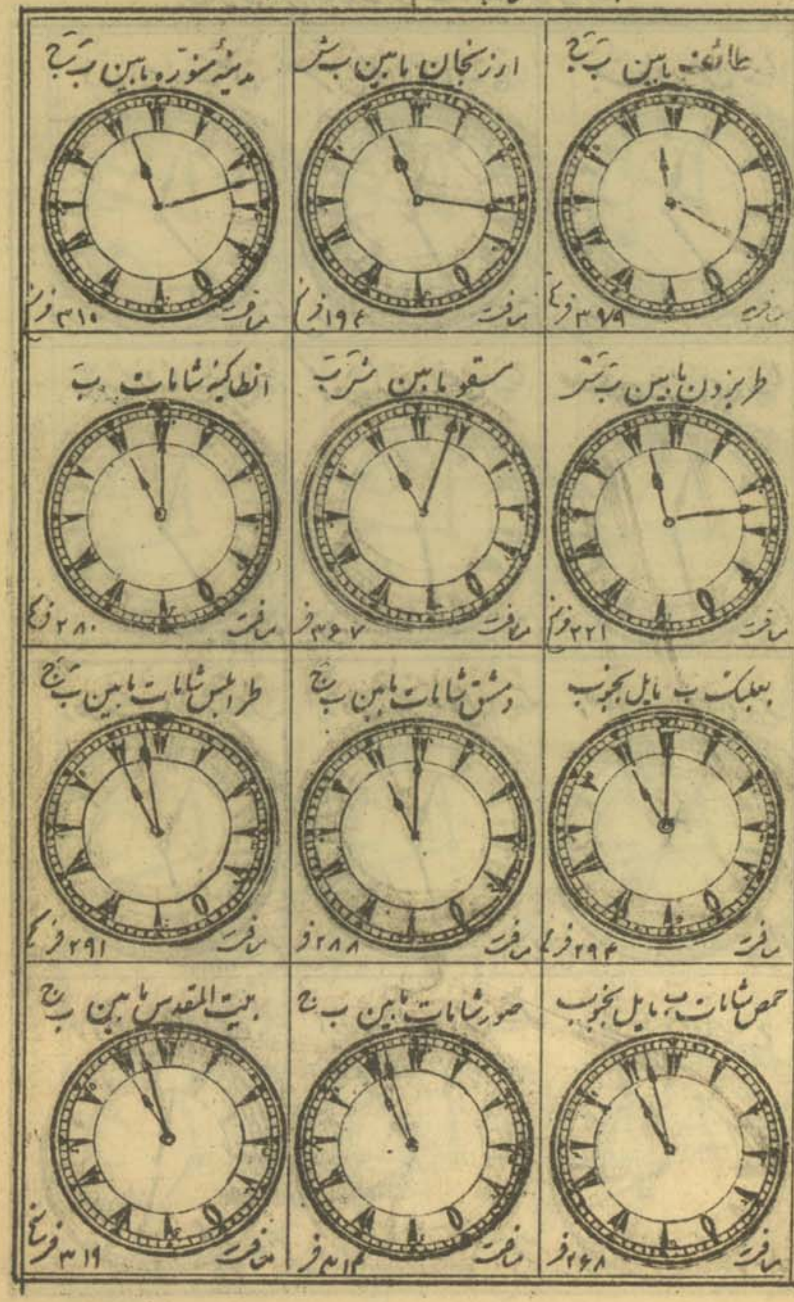
بلاد غربیه دار الخلافه طهران



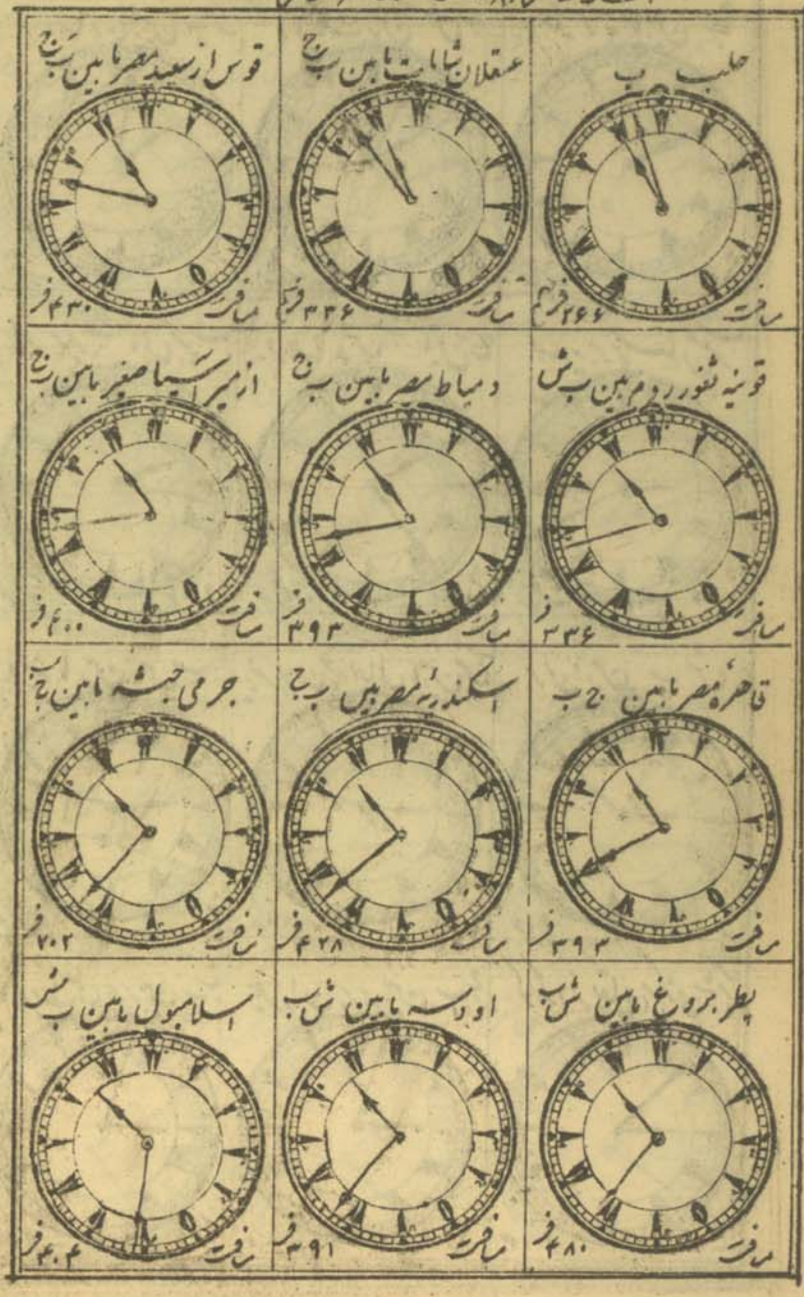

اردبیل مابین ب ش
مسافت ٧٦ فرسخ
نهاوند مابین ت ب ج
مسافت ٥٢ فرسخ
تفلیس روسیه مابین ب ش
مسافت ١٤٥ فرسخ
همدان مابین ت ب ج
مسافت ٦١ فرسخ
واسط مابین ت ب ج
مسافت ١٢٢ فرسخ
شهرزور مابین ت ب ج
مسافت ١٠٠ فرسخ
شکی روسیه مابین ت ب ش
مسافت ١٠٩ فرسخ
حلوان مابین ب ج
مسافت ١٠٠ فرسخ
مراغه مابین ت ب ش
مسافت ٩٥ فرسخ
کرمانشاه مابین ب ج
مسافت ٨٣ فرسخ
تبریز مابین ب ش
مسافت ٩٤ فرسخ
نخجوان روسیه مابین ب ش
مسافت ١١٤ فرسخ


خوی مابین ب ش
مسافت ١١٥ فرسخ
سرمن رای مابین ب ج
مسافت ١٤٠ فرسخ
بغداد مابین ب ج
مسافت ١٣٨ فرسخ
عدن عربستان مابین ب ج
مسافت ٥٣٩ فرسخ
کوفه و کربلا مابین ب ج
مسافت ١٥٤ فرسخ
صنعای یمن مابین ب ج
مسافت ٤٨٨ فرسخ
رضائیه مابین ت ب ش
مسافت ١١٤ فرسخ
ایروان روسیه مابین ب ش
مسافت ١٤٣ فرسخ
موصل ارمنیه مابین ب ش
مسافت ١٥١ فرسخ
لاذجرد ارمنیه مابین ب ش
مسافت ١٦٥ فرسخ
ارزن الروم مابین ب ش
مسافت ١٨٠ فرسخ
طایف مابین ب ج
مسافت ٣٧٩ فرسخ

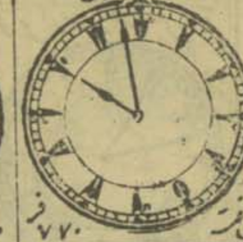
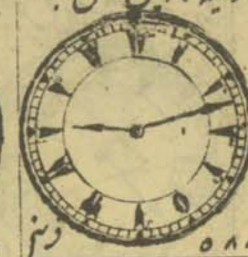
بلاد غربیه دار الخلافه طهران



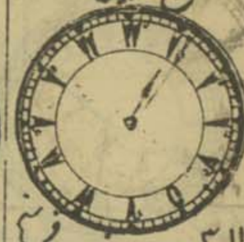
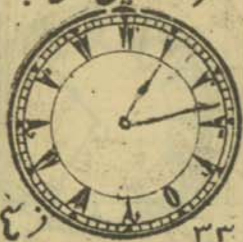
بلاد غربیه دار الخلافه طهران



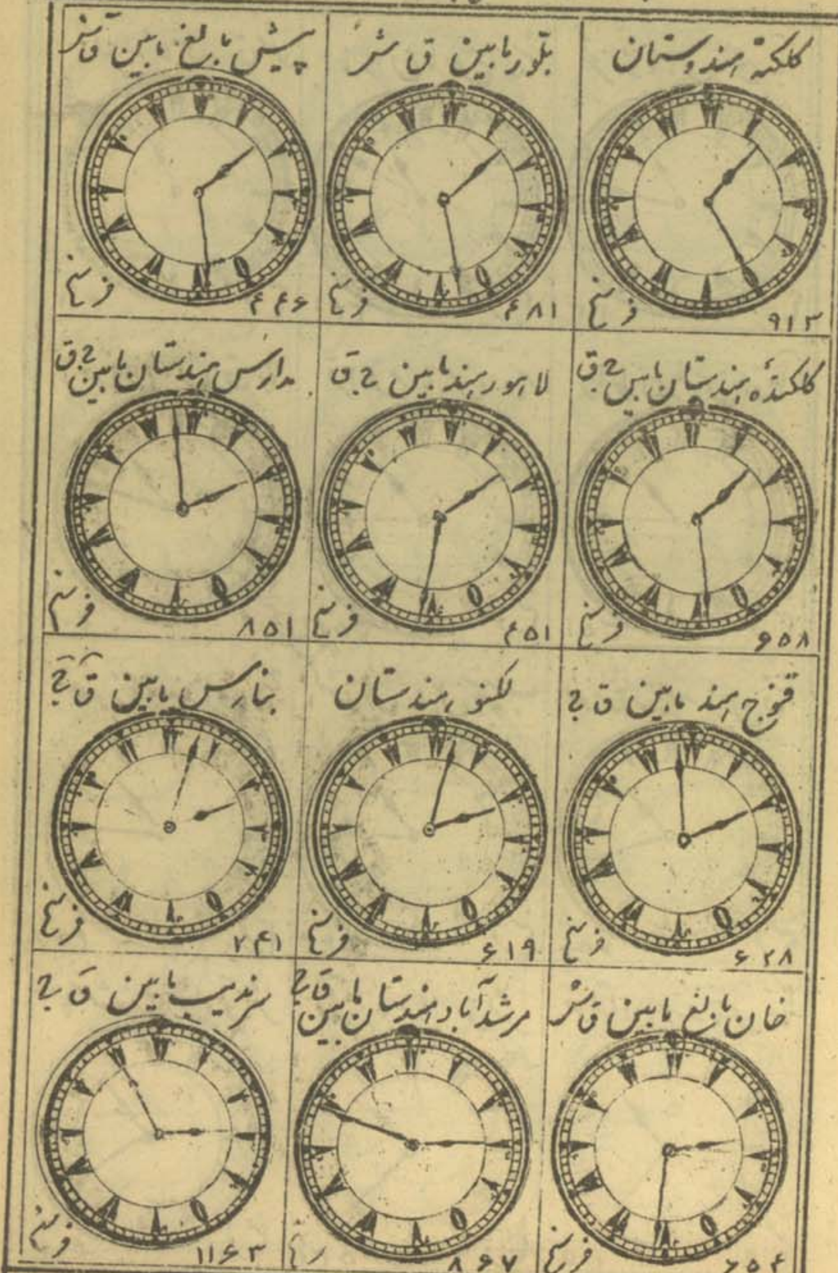
بلاد غربیهٔ دار الخلافهٔ طهران

وارساوی مابین ب ش  مسافت ٧٧٠ ف	وندیک مابین ش ب  مسافت ٩٠٨ ف	ونقله نوبه مابین ب ج  مسافت ٨٤٤ ف
طنجه بربر ب مایل بجنوب  مسافت ١٠٦ ف	قرطبهٔ اندلس ب مایل ب ج  مسافت ١٤٢ ف	مهدیه بربرستان مغرب  مسافت ٧٦٦ ف
وینه مابین ش ب  فرسخ ٥٨٨	لزبون پورتقال مابین ش ب  فرسخ ١١٧٨	برلن مابین ب ش  فرسخ ٦٠٦
تاهرت مغلی بربرین ب ج  فرسخ ٨٨٩	قیروان بربرین ب ج  فرسخ ٧٧٨	کوکا افریقای مرکزی مابین ب ج  فرسخ ١٠٠٣

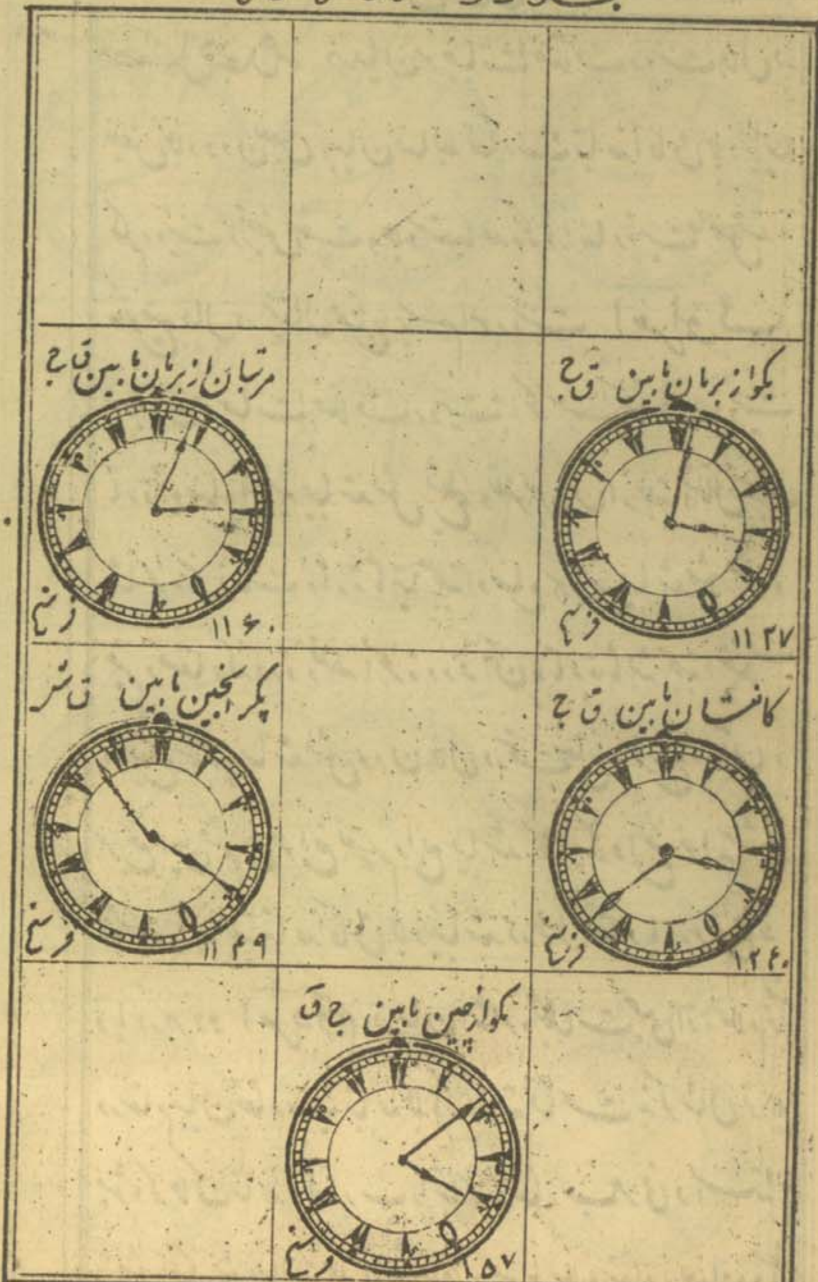
بلاد شرقیهٔ طهران

آلمالیغ مابین ق ش  فرسخ ٣١١	اندران مابین ق ش  فرسخ ٣٤١	غزنه مابین ق ج  فرسخ ٣٣
بدخشان مابین ق ج  فرسخ ٤٠١	قراقرم مابین ق ش  فرسخ ٣٥٨	رباط امیر مابین ق ج  فرسخ ٣٥١
منصوره سند مابین ق ج  فرسخ ٤١٥	کشمیر ق مایل بجنوب  فرسخ ٤٦٤	سومنات هند مابین ق ج  فرسخ ٦٥٠
کاشغر مابین ق ش  فرسخ ٤١٦	ختن مابین ق ش  فرسخ ٥٣٤	مولتان هند مابین ق ج  فرسخ ٤٠٥

بلاد شرقیهٔ طهران



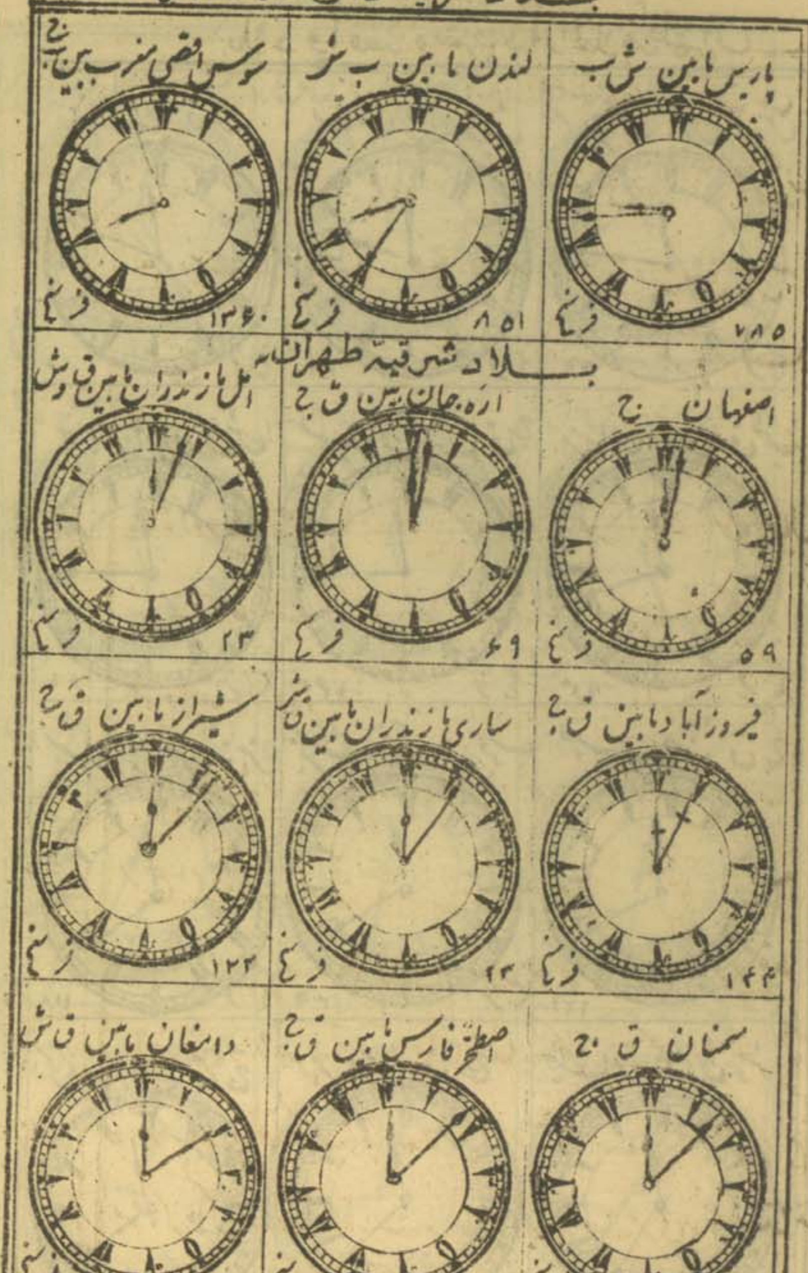
بلاد واقعه در شرق طهران



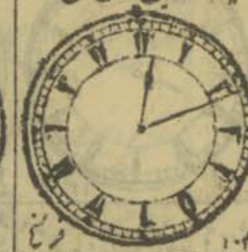
فصل هجدهم

فصل هجدهم، در بیان موجبات اختلاف رؤیت هلال در
بعض بلاد دون بعض وبیان ضابط تقارب و تباعد آفاق بلاد وبیان
حکم رؤیت در بعض نسبت به بلاد متباعده که در آنها رؤیت حاصل نشده
وتوضیح حال در اینمقال محتاج برسم امور است **امر اول**
در بیان موجبات اختلاف رؤیت بدانکه سبب اختلاف رؤیت
تارة اوضاع ارضیه میباشد مثل تسطح وتضریس آن از جهة اشتمال بجبال
شامخه ونحو ذلک وتارة ثانیة بجهة اوضاع هوائیه میباشد مثل صحو و
غیم وصفا وکدورة وغلظة الجزة ورقة آن وتارة ثالثة بجهة اختلاف
اوضاع سماویه میباشد مثل بودن هلال در تحت شعاع وخروج از آن و
مرجع این قسم فی الواقع بقسم رابع میباشد کما اینکه واضح خواهد شد
وتارة رابعه بجهة تباعد آفاق بلاد میباشد در طول فقط ویا در عرض فقط
ویا در هر دو **امر دوم** در بیان اشاره بکلمات جمعی از اعلام خاصه
درمقام بیان تقارب و تباعد بلاد که ازجهة قناعت بذکر مثال توهم
میشود که ملاک تباعد و تقارب را تباعد و تقارب عرفی دانسته اند
از مثل اینکه شیخ الطایفه علیه الرضوان در مبسوط بلاد متقاربه بغداد و واسط

بلاد شرقیهٔ دار الخلافهٔ طهران

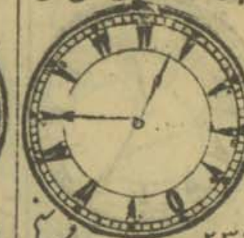


بلاد واقعهٔ در شرق دارالخلافهٔ طهران

یزد مابین ق ج  فرسخ ۱۰۴	بسطام مابین ق ش  فرسخ ۶۱	استرآباد مابین ق ش  فرسخ ۶۶
جرجان مابین ق ش  فرسخ ۶۱	سیرجان مابین ق ج  فرسخ ۱۴۰	مزینان مابین ق ش  فرسخ ۹۳
سبزوار مابین ق ش  فرسخ ۱۱۸	ترشیز ق مابین جنوب  فرسخ ۱۳۹	طبس مابین ق ج  فرسخ ۱۲۱
کرمان مابین ق ج  فرسخ ۱۴۴	بم مابین ق ج  فرسخ ۱۸۳	نیشابور بین ق ش  فرسخ ۱۳۷

بلاد شرقیهٔ طهران

تون مابین ق ج  فرسخ ۱۳۹	بردسیر مابین ق ج  فرسخ ۱۶۲	مشهد مقدس بین ق ش  فرسخ ۱۴۰
جیرفت مابین ق ج  فرسخ ۱۹۰	خبیص مابین ق ج  فرسخ ۱۵۲	قاین مابین ق ج  فرسخ ۱۶۴
سرخس مابین ق ش  فرسخ ۱۷۰	هرات مابین ق ش  فرسخ ۲۰۹	گرگانج خوارزم مابین ق ش  فرسخ ۲۳۰
هزاراسف مابین ق ش  فرسخ ۲۲۷	مروروز مابین ق ش  فرسخ ۲۰۵	زرنج سیستان مابین ق ج  فرسخ ۲۳۲

بخارا ما بین ق ش	قصبه نگران بین ق ج	فاریاب ما بین ق ش
		
٢٣٩ فرسخ	٢٥٩ فرسخ	٢٧٨ فرسخ
کش ما بین ق ش	سمرقند ما بین ق ش	خجند ما بین ق ش
		
٢٧٦ فرسخ	٢٨٦ فرسخ	٤١٦ فرسخ
بلخ ما بین ق ش	میمند ما بین ق ج	تانذار ساحل بحر هند بین ق ج
		
٢٩٠ فرسخ	٢٠٠ فرسخ	٥٨٠ فرسخ
سمنگان ما بین ق ش	بامیان ما بین ق ج	قبادیان ما بین ق ش
		
٣٣٥ فرسخ	٣٠٤ فرسخ	٢٨١ فرسخ

فاصله ما بین الغروبین تابع بمقدار یکساعت میباشد زیرا که تفاضل هر یک
از اقالیم مطالع و مغارب نیم ساعت فرق مینماید ولذا ما بین بلاد واقعه
در اقلیم اول و بلاد واقعه در اقلیم سابع سه ساعت و نیم در مطالع و مغارب
فرق میباشد و اگر تباعد هم در طول و هم در عرض باشد اختلاف مطالع و
مغارب ما بین و افحش میباشد خصوصا در صورت تزاید تفاوت و بعد
از احاطه بمراتب مزبوره در تحقیق ضابط تقارب تباعد ممکن است که امثله
صادره از بعض اعلام خاصه که در امر دوم مذکور گردید اشاره بضابط مزبور باشد
گرچه بعضی از امثله منقوله خالی از خدشه نخواهد شد **امر خامس**
در نقل بعضی از اخبار وارده در خصوص رؤیت هلال منها ما عن ابی
عبد الله ع انه سئل عن الاهلة فقال هی اهلة الشهور فاذا رأیت الهلال
فصم واذا رأیته فافطر قلت أرأیت ان کان الشهر تسعة وعشرین یوما اقضی
ذلک الیوم فقال لا الا ان یشهد لک بینة عدول فان شهدوا انهم
رأوا الهلال قبل ذلک فاقض ذلک الیوم ومنها ما عن ابی جعفر ع
قال قال امیر المؤمنین ع اذا رأیتم الهلال فافطروا او شهد علیه عدول
من المسلمین الی ان قال وان غم علیکم فعدوا ثلثین لیلة ثم افطروا

ومنها ما عن ابی عبد الله ع انه سئل عن الیوم الذی یقضی من شهر رمضان
فقال لا تقضه الا ان یثبت شاهدان عدلان من جمیع اهل الصلوة متی کان
رأس الشهر وقال لا تصم ومنها ما عن عبد الرحمن بن ابی عبد الله
قال سئلت ابا عبد الله ع عن هلال رمضان یغم علینا فی تسع وعشرین من
شعبان فقال لا تصم الا ان تراه فان شهد اهل بلد آخر فاقضه
ومنها ما عن محمد بن عیسی قال کتب الیه ابو عمر اخبرنی یا مولای انه ربما
اشکل علینا هلال شهر رمضان ولا نراه ونری السماء لیست فیها علة و
یفطر الناس ونفطر معهم ویقول قوم من الحساب قبلنا انه یری فی
تلک اللیلة بعینها بمصر وافریقیة والاندلس هل یجوز یا مولای ما قال الحساب
فی هذا الباب حتی یختلف الفرض علی اهل الامصار فیکون صومهم خلاف
صومنا وفطرهم خلاف فطرنا فوقع علیه السلام لا تصومن بالشک افطر
لرؤیته وصم لرؤیته ومنها ما رواه کریب بن ام الفضل بنت الحرث
بعثته الی معاویة بالشام قال فقدمت الشام فقضیت بها حاجتی واستهل
علینا رمضان فرأینا الهلال لیلة الجمعة ثم قدمت المدینة فی آخر
الشهر فسئلنی عبد الله بن عباس و ذکر الهلال فقال متی رأیتم الهلال

فقلت لیلة الجمعة فقال انت رأیته فقلت نعم ورآه الناس وصاموا
وصام معاویة فقال لکنا رأیناه لیلة السبت فلا نزال نصوم حتی نکمل
العدد او نراه فقلت افلا تکتفی برؤیة معاویة وصیامه قال لا هکذا امرنا
رسول الله صلی الله علیه وآله **امر سادس** در بیان مختار در صورت
رؤیت هلال در بعض بلاد متباعده دون بعضی بدانکه هرگاه ثابت شد
رؤیت هلال در بلدی ثابت میشود حکم رؤیت باهل بلد آخر که با آن
بلد متقارب در افق باشد بدون خلاف واما ثبوت حکم رؤیت
نسبت باهل بلد آخر که متباعد در افق باشد محل خلاف است
مشهور عدم ثبوت حکم رؤیت ومنصور ثبوت آن میباشد وکفایت
میکند از جهة دلالت بر منصور اطلاق تعلیق صوم وافطار برؤیة در اخبار
عدیده واطلاق کفایت رؤیت اهل بلد باهالی بلد آخر در اخبار
متعدده ودعوی انصراف ببلد متقارب مدفوع است مضافا
براینکه موضوع شهر از امورات عرفیه است نه از مخترعات پس مدار
در ثبوت بعرف است وفرق ما بین بلاد متقاربه ومتباعده در عرف
ثابت العدم است واما نهی وارد از صوم در روایة محمد بن عیسی

از جهة شک در رؤیت در بلاد متباعده نباشد بلکه تعلیق افطار و
صوم برؤیت بعد از نهی از عمل بر طبق شک در روایة مزبوره با اینکه
بلاد مسئول عنها از بلاد متباعده است نسبت ببلد سائل دلیل بر منصور
است که عبارت از اتحاد حکم بلاد متباعده باشد در صورت تحقق
رؤیت در بعض و اما حکم بن عباس منافی با منصور نیست زیرا که
کریب بن ام الفضل علاوه از اینکه شاهد واحد است ممکن است
در نزد ابن عباس هم مقبول الشهاده نبوده باشد و اما استدلال
صاحب جواهر بر منصور از جهة منع اختلاف در مطالع و مغارب را نسبتا
در ربع مسکون و منع کرویه ارض یا از جهة بلوغ اختلاف بمقدار معتد
نسبت بعلو سماء پس مردود است بوجدان و برهان و اما تمسک او
بخبار بقوله علیه السلام در دعای معروف وجعلت رؤیتها لجمیع
الناس مرأی واحدا مخدوش است باینکه مراد عدم تفاوت
و اختلاف در رؤیت نیست زیرا که این خلاف واقع است
بلکه مراد بیان اتقان صنع و تدبیر و اظهار قدرت حضرت احدیت
است که شمس و قمر را بجمیع اهل ارض سراج قرار داده و همه مخلوقات

و کوفه و کریب موصل را و بلاد متباعده بغداد و خراسان و بغداد و مصر را
تمثیل آورده و مع ذلک آنمرحوم اتفاق در عرض را شرط تقارب بلاد
دانسته و مثل علامه در تذکره که بغداد و کوفه را بتقارب بلاد و بغداد و خراسان
و حجاز و عراق را ببلاد متباعده مثال آورده و مثل محقق در معتبر گرچه آنمرحوم
در ظاهر مثال ذکر نکرده لکن از استشهاد آنمرحوم بفتوای عبدالله بن عباس
معلوم میشود که مثل شام و مدینه را نسبت هم از بلاد متباعده دانسته زیرا که
عبدالله بن عباس قول مزبور را در خصوص مدینه داده که رؤیت هلال در
شام دلیل باهل مدینه نمیباشد و مثل شهید اول در دروس که ببلاد
متقاربه بغداد و بصره را و ببلاد متباعده بغداد و مصر را مثال زده و مع ذلک
احتمال داده کفایت رؤیت هلال را در بلاد شرقیه نسبت باهالی بلاد مغربیه
حیث قال بالفظه ویحتمل ثبوت الهلال فی البلاد المغربیه برؤیته فی المشرقیه
وان تباعدت للقطع بالرؤیة عند عدم المانع انتهی امر سوم در بیان
میزان تقارب و تباعد نزد جماعتی از شافعیه بدانکه علامه اعلی الله مقامه
در تذکره بایشان مسالک عدیده نسبت داده و فرموده بعضی از ایشان
میزان تقارب را اتفاق اقلیم و میزان تباعد را اختلاف اقلیم میداند

وبرخی از ایشان میزان تقارب را اقلّ از مسافت تقصیر ومیزان
تباعد را بلوغ بمقدار مسافت تقصیر میدانند ومراد از مقدار مسافت
قصر در نزد این بعض کما اینکه علامه در منتهی تصریح فرموده عبارت است
از چهل وهشت میل که شانزده فرسخ میباشد وبعضی از ایشان میزان تقارب را
اتفاق مطالع مثل کوفه وبغداد ومیزان تباعد را اختلاف آن مثل حجاز
وعراق دانسته وبعضی از ایشان میزان تقارب را اتفاق در مناظر
ومیزان تباعد را تفاوت در مناظر دانسته بجهة ارتفاع وانخفاض
بلاد ولو با فرض مجاورت وعدم بلوغ بمسافت قصر واین قول راجع
بتفصیل با اوضاع ارضیة مثل تسطیح وتضریس میباشد ولذا علامه اعلی الله
مقامه بعد از نسبت این قول ببعض شافعیة نفی قائل نموده احر
چهارم در بیان مختار در خصوص ضابط تقارب وتباعد بدانکه
آنچه از کلمات ارباب تحقیق در میزان تباعد مستفاد میشود عبارتست
از اینکه اقلاً فاصله ما بین الطولین دو بلد بالغ باشد بمقدار پانزده درجه
که موجب تفاوت یکساعت در مطالع ومغارب است زیراکه
هریک از آفتاب وماه با حرکة سریعة فلکیة دوره راکه عبارت باشد

از سیصد وشصت درجه در بیست چهار ساعت تمام مینماید وبعد از تقسیم
عدد درجات بعدد ساعات خارج قسمت پانزده درجه میباشد
وضمنا باید دانست ماه هر روز پنجاه دقیقه ویا چیزی پیشتر تا قریب بیک
ساعت در طی راه از آفتاب عقب میماند فلذا اهلال در شب رویت
یعنی در اول هر ماه بمقدار مزبور در طی راه از آفتاب عقب میافتد
وایضا باید فهمید که ماه در فلک خود با حرکت خاصه هر برج را در ازید
از دو روز وکمتر از سه روز قطع مینماید وبعد از دانستن این دو امر واضح
میشود امکان رویت در یکی از بلدین که بفاصلهٔ پانزده درجه در طول
هم واقع شده اند وعدم امکان در آخر بلحاظ اینکه در فاصلهٔ مزبوره
تفاوت غروبین آفتاب در بلدین مفروضین بالغ بمقدار یکساعت
میباشد پس در بلادیکه غروب آفتاب یکساعت قبل واقع شده
ممکن است ماه در همان محل در تحت شعاع مانده رویت آن غیر میسور شود
بخلاف بلدیکه غروب آفتاب یکساعت بعد از بلد اوّل واقع شده
بملاحظهٔ حرکت خاصهٔ ماه وازدیاد بُعد آن از آفتاب ماه از تحت شعاع
خارج گشته رؤیت آن در همان محلّ میسور خواهد شد واز واضحات

هر قدر در مابین هلال و آفتاب مسافت زیاد باشد رؤیت ما اسهل میباشد
و از مجموع مراتب مزبوره معلوم گردید که ممکن است رؤیت هلال در بلد غربی
دون شرقی اگر فاصلهٔ مابین غروب آفتاب بلدین کمتر از یکساعت
باشد پس باینصورت منحصر میباشد استلزام رؤیت هلال در بلد شرقی رؤیت
آنرا در بلد غربی و از اینجا واضح میشود احتمالی که شهید اول در دروس داده
علی اطلاقه غیر صحیح میباشد و اینهٔ از اینجا ظاهر میشود وجه نظر در قول ناظم
اذا بدا الهلال فی المغارب   فی اللیلة الاولی یری فی الغالب
مگر اینکه لفظ غالب اشاره بتفصیل مذکور باشد و از تمامی مطالب فوق
روشن گردید که اقل میزان تباعد آفاق بلاد از جهة طول عبارتست
از بلوغ مابه التفاضل بر پانزده درجه و هرچه ازید باشد تباعد اکثر خواهد
شد کما اینکه مابین غروبین لندن و پونهٔ هند پنج ساعت الا چهار دقیقه فرق
میباشد زیرا که بلدین مزبورین با همدیگر هفتاد و چهار درجه تفاوت طولی
دارند یعنی لندن در غربی پونه واقع شده و بدین سؤال است ضابط
در اختلاف عرضی بلاد مثل اینکه بلدیکه رؤیت هلال در آن شده
در سبد اقلیم اول واقع شود در بلد آخر که در سبد اقلیم ثالث واقع شده

از شمس و قمر استفاده مینمایند و همه اهل عالم یک شمس و یک قمر را در جمیع
بلاد مشاهده مینمایند پس بعد از تروّی در مراتب مزبوره واضح میشود اتحاد
حکم رؤیت ولو در بلاد متباعده و اینکه میزان بلاد مکلف بلاد متقاربه او
نیست و از اینجا ساقط میشود قول بامکان بودن شهر صیام سی و یک
و یا بیست و هشت روز که تفریع بر قول مشهور نموده‌اند و تبدل حکم را در حق
شخصیکه هلال صیام را در بلد خود دیده بعداً با سفر منتقل شده ببلدیکه
مخالف است با بلد مزبور در حکم حیث قال العلامة فی المنتهی ما لفظه
فرع علی قول المفید رحمه الله لو سافر من رأی الهلال فی بلده الی
بلد لم یر الهلال فیه بعد ثلثین یوما فالوجه انه یصوم معهم لحکم الحال
وقال فی الدروس ما لفظه فروع الاول لو رأی الهلال فی بلد و
سافر الی آخر یخالفه فی حکمه انتقل حکمه الیه فیصوم زائدا و یفطر علی
ثمانیة وعشرین حتی لو اصبح معیدا ثم انتقل امسک و لو اصبح صائما للرؤیة
ثم انتقل ففی جواز الافطار نظر و لو رعی الاحتیاط فی هذه الغرض
کان اولی انتهی **خاتمه** در بعض فوائد نافعه.
فائده اذا اردت معرفة برج القمر فاضعف ما مضی معک من

الشهر العربي وزد على ذلك خمسة فالقى لكل برج خمسة ايام وابدء بالعدد
من برج الشمس فاذا انتهيت الى برج لا يتم خمسة فالقمر في ذلك البرج مثل
ان يكون الشمس في برج الدلو وقد مضى من الشهر احد عشر ضعفناها صارت
اثنين وعشرين وزدناها خمسة صار الجميع سبعة وعشرين يوما قلنا خمسة و
عشرون لخمسة بروج يبقى يومان نضربهما في ستة يكون اثنا عشر درجة
فنقول الدلو والحوت والحمل والثور والجوزا فالقمر في اثنا عشر درجة
من برج السرطان **ونعم ما قيل** هرچه از ماه شد مثنی کن،
پنج دیگر فزای بر سر آن   پس ببر پنج از آن زخانهٔ شمس خانه گیر جای
میدان وآنچه ماند در آخرین منزل ضرب کن در شش و درج میدان
وقيل في ذلك زد على الأيام التي مضت معك من الشهر العربي مثليها
واقسم على البروج سبعة سبعة ففي اي برج تنتهي القسمة فيه فالقمر في ذلك
البرج **وقيل ايضاً** في معرفة ذلك انظر الى الشهر العربي في اي جزء
من اجزاء الشهر الرومي استهل ثم انظر كم مضى من الشهر العربي الذي انت
فيه ثم اقسم هذه الأيام على المنازل وابدء من المنزل الذي استهل القمر من
مقابله من اجزاء الشهر الرومي ففي اي منزل تنتهي القسمة فيه فالقمر

في ذلك المنزل في اليوم الذي حسبت فيه **فائدة** اذا اردت معرفة
برج الشمس فاضعف ما مضى معك من الشهر العربي وزد عليه الخمسة والق
لكل برج خمسة وابدء بالعدد من موضع القمر بالعكس الى جهة المغرب فاذا
انتهيت الى برج لا يتم خمسة فالشمس في ذلك البرج **فائدة** اذا اردت
ان تعرف ان زحل في اي برج خذ سني الهجرة الى السنة التي تريد تقويم
زحل منها ثم زد عليه ثماني سنين ثم اطرح المجموع ثلثين ثلثين الى ان يبقى
ثلثون او اقل ثم اقسم الباقي على البروج ستقهقري وابدء من برج الجدي
لكل برج سنتين ونصف سنة **فائدة** اذا اردت ان تعرف ان المشتري
في اي برج زد على الهجرة سنتين ثم اطرح المجموع اثنا عشر اثنا عشر الى ان
يبقى اثنا عشر او اقل ثم اقسم الباقي على البروج ستقهقري وابدء من الجوزاء
لكل برج سنة **فائدة** اذا اردت ان المريخ في اي برج اطرح
سني الهجرة ثلثة ثلثة الى ان يبقى ثلثة او اقل ثم اجعله شهورا ثم اطرح
الشهور تسعة تسعة الى ان يبقى تسعة او اقل ثم اقسم الباقي على البروج
ستقهقري وابدء من القوس لكل برج شهرا ونصف شهر **فائدة** اذا
اردت ان الزهرة في اي برج اطرح سني الهجرة خمسة خمسة الى ان يبقى

خمسة او اقل واجعل الباقي شهورا ثم زد على هذه الشهور ستين يوما ثم اطرح المجموع
عشرة اشهر عشرة اشهر الى ان يبقى عشرة او اقل ثم اقسم الباقي على البروج
متقهقرى وابدء من الميزان لكل برج خمسة اشهر وعشرة ايام فائدة اذا اردت
ان عطارد في اي برج اطرح سني الهجرة ثلثة ثلثة الى ان يبقى ثلثة او اقل
واجعل الباقي شهورا ثم اطرح سبعة اشهر وستة ايام ثم زد على الباقي ستين
يوما ثم اقسمه على البروج متقهقرى وابدء من السنبلة لكل برج ثمانية ايام ✤
فائدة شرف الشمس في تسعة عشر من الحمل وشرف القمر في ثلثة من الثور
وشرف زحل في احد وعشرين من الميزان وشرف المشترى في خمسة عشر
من السرطان وشرف المريخ في ثمانية وعشرين من الجدى وشرف العطارد
في خمسة عشر من السنبلة وشرف الزهرة في سبعة وعشرين من الحوت
وشرف الذنب في ثلثة من الجدى وشرف الراس في ثلثة من الجوزاء
فائدة آذار احد وثلثون يوما وفي اثنا عشر يوما منه تدخل الشمس في برج
الحمل وعنده يستوى الليل والنهار نيسان ثلثون يوما وفي اثنا عشر
يوما منه تدخل الشمس في برج الثور فيصير ساعات النهار ثلثة عشر وساعات
الليل احد عشر ايار احد وثلثون يوما وفي ثلثة عشر منه تدخل الشمس في

الجوزاء فيصير ساعات النهار اربعة عشر وساعات الليل عشرة حزيران
ثلثون يوما وفي اربعة عشر يوما منه تدخل الشمس في السرطان فيصير ساعات
النهار خمسة عشر وساعات الليل تسعة تموز احد وثلثون يوما وفي ثلثة عشر
يوما منه تدخل الشمس في الاسد فيصير ساعات النهار اربعة عشر وساعات
الليل عشرة آب احد وثلثون يوما وفي ثلثة عشر منه تدخل الشمس في
السنبلة فيصير ساعات النهار ثلثة عشر وساعات الليل احد عشر ايلول
ثلثون يوما وفي ثلثة عشر منه تدخل الشمس في الميزان ويستوى الليل والنهار
ثانيا تشرين اول احد وثلثون يوما وفي ثلثة عشر يوما منه تدخل الشمس
في العقرب فيصير ساعات النهار احد عشر وساعات الليل ثلثة عشر
تشرين ثاني ثلثون يوما وفي اربعة عشر منه تدخل الشمس في القوس
فيصير ساعات النهار عشرا وساعات الليل اربعة عشر كانون اول
احد وثلثون يوما وفي ثلثة عشر منه تدخل الشمس في الجدى فيصير ساعات
النهار تسعة وساعات الليل خمسة عشر كانون ثاني احد وثلثون
يوما وفي احد عشر يوما منه تدخل الشمس في الدلو فيصير ساعات النهار
عشرا وساعات الليل اربعة عشر شباط ثمانية وعشرون يوما

خاتمه

وفی عشرة ایام منه تدخل الشمس فی الحوت فتصیر ساعات النهار احد عشر و ساعات اللیل ثلثة عشر و نعم ماقیل دو تشرین و دو کانون و پس آنگه * شباط و آذر و نیسان ایار است * حزیران و تموز و آب و ایلول * نگه دارش که از من یادگار است *

لله الحمد علی اتمامه و انطباعه در مطبعهٔ علمیه طبع گردید ۱۳۴۹

صفحه	سطر	غلط	صواب	صفحه	سطر	غلط	صواب
۳	۳	واحد	عدل واحد	۴	۱	اِنّه	اَنّه
۹	۱۳	ارزنگان	اهل ارزنگان	۲۴	۸	ست	ستّ
۲۵	۱۲	درجه ۷۷۰	درجه ۷۷	۲۹	۱۴	اذبل	ادبل
۳۵	۱۲	درجه ۴۰۴	درجه ۴۴	۳۵	۱۴	درجه ۴۰۶	درجه ۴۶
۳۹	۱۵	قرطیه	قرطبه	۴۰	۱۱	درجه ۹۵	درجه ۶۵
۴۲	۱۲	ازآن بانطلق	بانطرف	۴۸	۳	ابره	دایره
۴۸	۱۱	قبا	قبله	۵۰	۱۲	متعین	برتعین
۵۲	۶	درجه ازمرتبه	بمرتبه	۵۳	۷	اذبل	اربل

صفحه	سطر	غلط	صواب	صفحه	سطر	غلط	صواب
۵۸	۱۲	اذاعتباد	دراعتباد	۶۰	۱۰	حاصل	حاصل شود
۶۶	۷	نزاهة	نزهة	۶۷	۱۰	تجربی	بحربی
۶۷	۱۱	دبیل	ودبیل	۶۸	۱۲	اده حان	اده جان
۷۱	۹	مظبوط	مضبوط	۷۱	۱۲	حاصل آید	حاصل آمد
۷۳	۱۱	مظبوط	مضبوط	۷۶	۳	حلواً ۱۰ فرسخ	حلواً ۱۰۰
۷۷	۳	[illegible] الا ۴ دقیقه مانده	۳۳ دقیقه مانده	۷۲	۴	[illegible] دسته ۲۸ گذشته	بدسته ۴۰ دقیقه مانده
۷۷	۴	ساعت طایف	غلط وزاید	۷۸	۱	فرسخ طایف ۳۹۰	۳۷۹
۸۱	۳	فرسخ شیراز ۱۲	۱۲۲	۸۱	۴	دامغان ۲ فرسخ	۴۸ فرسخ
۸۳	۴	زیج از دسته ۴۸ دقیقه گذشته	۴۳ دقیقه گذشته	۸۷	۲	ساعت کاشان	کاشان چین
۸۸	۱۰	تقتیم	بعتسم	۸۸	۱۵	ازمشل	مشل
۹۳	۱۱	اقصے	اقصی	۹۷	۳	بلا	بلد
۹۷	۱۱	سافر	وسافر	۹۸	۱۲	انزل	انظر
۱۰۰	۵	لستین	ستین	۱۰۱	۱۱	النهاد	النهار عشرة
۱۰۱	۱۵	عشر	عشراً				

«باهتمام آقا اسمعیل ولد مرحوم مشهدی اسد آقا مطبعچی»

مجلس شورای ملی
تاسیس ۱۳۰۲
کتابخانه